

نشریه تولیدات شبکه اجتماعی افسران

www.afsaran.ir

گاهنامه ویژه یوم الله سیزده آبان

شنبه ۱۸ آبان ۱۳۹۲



روز مرگ بر آمریکا
ایران قربانی ترور
روشنفکران! ظلم را تعریف کنید
اسناد لانه جاسوسی
ما سفارت تمدن غرب را تسخیر میکنیم



فهرست

- ۳ سرمقاله
- ۴ روز مرگ بر آمریکا
- ۵ کلام امام
- ۶ ما آمریکا را زیر پا میگذاریم
- ۷ اینفرگرافی: سیاهه جنایات آمریکا
- ۸ جنایات آمریکا
- ۹ آمریکا از منظر امام خمینی
- ۱۱ کاپیتولاسیون
- ۱۲ شهدای انقلاب
- ۱۳ شکست هیمنه
- ۱۵ کارتر رفت
- ۱۷ ایران قربانی ترور
- ۱۸ اسناد لانه جاسوسی
- ۲۱ پایگاه های شنود
- ۲۳ رابطه با آمریکا از منظر رهبر
- ۲۵ کلیپ های صوتی و تصویری
- ۲۶ حصر بی حاصل
- ۲۸ روشنفکران، ظلم را تعریف کنید
- ۲۹ ضد
- ۳۰ پوسترهای صداقت آمریکایی
- ۳۱ سبک زندگی غیر آمریکایی
- ۳۲ کاریکاتور
- ۳۳ شعر و اینفوگرافی
- ۳۴ احتمال اعدام شیخ باقر النمر
- ۳۵ دلنوشته



سرمقاله

بسم الله الرحمن الرحيم

انقلاب به رهبری امام خمینی پیروز شد

منافع آمریکا در ایران که بزرگترین شریک اقتصادی و امنیتی او در منطقه بود به خطر افتاد

دانشجویان خط امام لانه جاسوسی را فتح کردند و سفارتخانه یا همان جاسوس خانه آمریکا بسته شد

و شیطان بزرگ داشته هایش را نابود شده دید!!!

حتی جنگ هم نتوانست یاران اسلامی را به زانو درآورد .. پس خدعه و نیرنگ را چاشنی حملاتش ساخت

شبیخون فرهنگی همراه با انواع و اقسام تحریم ها آغاز شد و سی و چند سال است ادامه دارد و هر روز بدتر و پرفشارتر از دیروز ...

رهبر فرزانه انقلاب بارها انواع و اقسام رویکردهای حيله گرانه و تهاجمی غرب را برای مردم و مسئولین تشریح و تبیین کرده اند و

راهکارهای مناسب را ارائه داده اند و خوی وحشی گری آن را تهی از رافتا و منطق معرفی کردند

مقاومت ملت ایران چنان نخوت و ابهت پوشالی شیطان را در هم شکسته که راه نجاتش را در یک کلمه می داند : "مذاکره" !

و چرا اینقدر مذاکره برای آمریکا مهم است ؟ :

۱- می تواند جریان اصلی تجدیدنظرطلبان را در داخل ایران احیا کند

۲- میتواند برتری گفتمان انقلاب اسلامی را در منطقه درهم بشکند

۳- می تواند افکار عمومی ایران را در راستای شکست اقتدار و قدرت نرم جمهوری اسلامی مدیریت کند

۴- می تواند روند فریبکارانه "مذاکرات سازش فلسطین با رژیم صهیونیستی" را به نفع اشغالگران تا از دست رفتن پاره تن اسلام جلو ببرد

۵- می تواند جریان بیداری اسلامی را تضعیف و به مرز نابودی بکشاند

۶- می تواند اجماع علیه ایران را در اروپا برای افزایش بالا بردن فشارهای اقتصادی افزایش دهد

۷- می تواند در موضوع سوریه با روسیه کنار بیاید و محور مقاومت را بعنوان عمق استراتژیک ایران برای همیشه از بین ببرد

و ما در این بین چه بدست خواهیم آورد؟

هیچ .. بعلاوه ی به خطر افتادن امنیت جمهوری اسلامی و نابود شدن هرچه در این سالها کسب کرده ایم !

هشدار "مختار" یادمان نرود : «تزویر به شما امان می دهد تا مقاومتتان را بشکنند، پس از غلبه شک نکنید که گردنتان را خواهد

شکست!»

آری .. آزموده را آزمودن خطاست ولی برای فراموش کاران چاره ای جز این نیست

شاید فراموشکاران ، "لانه جاسوسی" نامیدن سفارتخانه را بی ادبی و "مرگ بر آمریکا" را ضد روشنفکری تلقی کنند اما همانطور که

رهبر فرزانه ما فرمود : «امروز سفارتخانه های آمریکا در نزدیکترین کشورها به آمریکا اسمشان شده «لانه جاسوسی»؛ یعنی جوانان

انقلاب ما ۳۰ سال جلوتر بودند»

پس آمریکا بداند که شعار مرگ بر آمریکا و مرگ بر هرچه رنگ و بوی استکبار را بدهد با گوشت و خون ملت ایران آمیخته و نخواهد

توانست ثمره خون شهیدان انقلاب و دفاع مقدس و ترورهای مکرر و دانشمندان مارا نابود کند

و همچنان ۱۳ آبان ها که هیچ .. همیشه فریاد خواهیم زد مرگ بر آمریکا

روز مرگ بر آمریکا



کلام امام



در سال ۵۷ رژیم وابسته‌ی به آمریکا در خیابانهای تهران دانش‌آموزان را به قتل رساند و آسفالت خیابانهای تهران به خون نوجوانان ما رنگین شد، برای دفاع از رژیم وابسته‌ی به آمریکا؛ این هم مربوط شد به آمریکا. در سال ۵۸ ضربت متقابل بود؛ یعنی جوانان شجاع و مؤمن دانشجوی ما به سفارت آمریکا حمله کردند و حقیقت و هویت این سفارت را که عبارت بود از لانه‌ی جاسوسی کشف کردند و در مقابل چشم مردم دنیا گذاشتند. آن روز جوانهای ما اسم سفارت آمریکا را گذاشتند لانه‌ی جاسوسی، امروز بعد از گذشت سی و چند سال از آن روز، اسم سفارتخانه‌های آمریکا در نزدیک‌ترین کشورها به آمریکا - یعنی کشورهای اروپایی - شده است لانه‌ی جاسوسی؛ یعنی جوانهای ما سی سال از تقویم تاریخ دنیا جلو بودند.

استکبار یعنی چه؟ استکبار یک تعبیر قرآنی است؛ در قرآن کلمه‌ی استکبار به کار رفته است؛ آدم مستکبر، دولت مستکبر، گروه مستکبر، یعنی آن کسانی و آن دولتی که قصد دخالت در امور انسانها و ملت‌های دیگر را دارد، در همه‌ی کارهای آنها مداخله میکند برای حفظ منافع خود؛ خود را آزاد میدانند، حقّ تحمیل بر ملت‌ها را برای خود قائل است، حقّ دخالت در امور کشورها را برای خود قائل است، پاسخگو هم به هیچ‌کس نیست؛ این معنای مستکبر است. نقطه‌ی مقابل این جبهه‌ی ظالم و ستمگر، گروهی هستند که با استکبار مبارزه میکنند؛ مبارزه‌ی با استکبار یعنی چه؟ یعنی در درجه‌ی اول زیر بار این زورگویی نرفتن؛ معنای استکبارستیزی یک چیز پیچ‌وخم‌دار پیچیده‌ای نیست؛ استکبارستیزی یعنی یک ملّتی زیر بار مداخله‌جویی و تحمیل قدرت استکبارگر یا انسان مستکبر یا دولت مستکبر نرود؛ این معنای استکبارستیزی است. من البته ان‌شاءالله در آینده در یک فرصتی با شما جوانها، دانشجویها، دانش‌آموزان درباره‌ی استکبار و استکبارستیزی یک صحبت مفصّلی باید بکنم که الان مجال آن نیست؛ اجمالاً این معنای استکبار و این معنای استکبارستیزی است.

ملّت ایران که خود را استکبارستیز میدانند، به‌خاطر این است که زیر بار تحمیل دولت آمریکا نرفته است. دولت آمریکا یک دولت استکباری است، حقّ مداخله‌ی در کشورها را برای خود قائل است، جنگ‌افروزی میکند، در امور کشورها مداخله میکند. یکی از ترفندها و خلاف‌گویی‌ها این است که این‌جور القا کنند به افکار عمومی مردم که اگر ما در قضیه‌ی هسته‌ای، تسلیم طرف مقابل شدیم، همه‌ی مشکلات اقتصادی و معیشتی و غیره حل خواهد شد؛ این را دارند تبلیغ میکنند. البته تبلیغاتچی‌های خارجی با شیوه‌های کاملاً ماهرانه‌ی تبلیغاتی خط میدهند، در داخل هم بعضی از روی ساده‌لوحی و بدون اینکه نیت سوئی داشته باشند، بعضی هم واقعاً از روی غرض همین را دارند تبلیغ میکنند که اگر ما در این قضیه کوتاه آمدیم و تسلیم شدیم در مقابل طرف مقابل، همه‌ی مشکلات اقتصادی و مانند اینها حل خواهد شد؛ این خطا است.

دشمنی آمریکا با ملّت ایران و با جمهوری اسلامی اصلاً حول محور هسته‌ای نیست؛ این خطا است اگر خیال کنیم که دعوی آمریکا با ما سرّ قضیه‌ی هسته‌ای است؛ نه، قضیه‌ی هسته‌ای بهانه است؛ قبل از اینکه مسئله‌ی هسته‌ای مطرح باشد، همین دشمنی‌ها، همین مخالفتها از اول انقلاب بود؛ اگر یک روزی هم مسئله‌ی هسته‌ای حل شد - فرض کنید جمهوری اسلامی عقب‌نشینی کرد؛ همان‌که آنها میخواهند - خیال نکنید مسئله تمام خواهد شد؛ نه، ده بهانه‌ی دیگر را به‌تدریج پیش میکشند اینها با موجودیت جمهوری اسلامی مخالفند، با نفوذ و اقتدار جمهوری اسلامی مخالفند ... آن روزی اینها راضی میشوند که ایران یک ملّت ضعیف، کنارمانده، منزوی، بی‌اعتبار و بی‌احترام باشد.

ما آمریکا را زیر پای میگذاریم



«دولت آمریکا خودبرتربین، غیرمنطقی و عهدشکن است»

امام خامنه ای | ۱۳ ام مهر ۹۲

«حقیقتاً آنچه که امروز امریکاییها دچارش هستند و بالاخره سیلی آن را هم خواهند خورد، غرور احمقانه است»

امام خامنه ای | هفتم خرداد ۸۲

«ما آمریکا را زیر پا خواهیم گذاشت...»

امام خمینی (ره) | ۲۱ ام فروردین ۶۲

مردم مظلوم و تا اظهار نظر های وقیحانه مسئولین این کشور در مواجهه با این قبیل کشورها (مثلاً اظهارات رایس در سال های آغاز جنگ با عراق و تشبیه خاموش کردن آتش در عراق با آتش خاموش کردن شخصیت گالیور در آن کارتون معروف) و... همه و همه نمونه هایی هستند در نمایش این نگاه متکبرانه و غیرانسانی این جماعت... انسان هایی که به پشتوانه ی ماشین هایشان، بمب هایشان، برج ها و دیگر ماسکهایشان به خود اجازه میدهند این چنین رفتار کنند با دیگر انسانها...

وجود چنین قشری در دهکده ی دنیا امری تکراری است از نظر تاریخ اما مسئله ای که مورد تأمل است، برخورد دیگر انسان ها و ملت ها و دولت ها با چنین قشری است.

خود برتر بینی و تحقیر طرف مقابل را از سوی آنگلساکسون ها در مواقعی که زورشان به طرف مقابل بچربد و یا اظهار ضعفی از سوی طرف مقابل صورت بگیرد، می شود به روشنی مشاهده کرد.

رفتارها و برخورد های این جماعت را در جنگ هایشان نمونه ای است در اثبات این مدعا.

کشت و کشتار و خونریزی هایشان را میگذاریم بر حساب دیگر خصیصه های نژادی و اعتقادی شان اما طرز نگاه و برخوردشان با انسان هایی نه از جنس خودشان و از جنس بقول خودشان جهان سوم و... تأمل برانگیز است.

با نگاهی حیوان صفتانه، دیگر انسان ها را که از قماش خود نیستند، حیوان میپندارند و به خود اجازه و حق می دهند که هرطور که میخواهند رفتار کنند با آنها.

از رفتارهای بیشرمانه سربازان امریکایی با زنان و دختران ویتنامی، عراقی و افغانستانی گرفته، تا ادرار کردن هایشان بر سر جنازه های این

مرگ گفتن به این ظلم و آن ظالم ها و احیا کردن آن مظلوم ها ، شد کار و بار این انقلاب و این جماعت انقلابی .
«جمهوری اسلامی» را نه ، اما «انقلاب اسلامی» را در ذات معصوم میدانم و مقدس .

«جمهوری اسلامی» اگر در چرخ روزگار قرار گرفته و بالا و پایین شود ، «انقلاب اسلامی» پایدار است و استوار و لحظه به لحظه و آن به آن در حال انقلاب است و جوشش جمهوری اسلامی اگر «رئیس» دارد و «رئیس جمهور» می خواندش ، آن هم رئیسی که می آید و می رود ، انقلاب اسلامی «رهبر» دارد ، «امام» دارد . امامی که ایستاده ، مردانه هم ایستاده . ایستاده تا مأموریت خود را به سرانجام برساند و انقلاب را برساند به صاحبش ، به انقلابی بزرگ ...

«مرگ بر آمریکا» را شعار که نه ، باور ریشه گرفته از «هیئات من الذله» ی این انقلاب و انقلابی ها میدانم و نه شعاری بخشنامه ای در قوانین «جمهوری اسلامی»
«مرگ بر آمریکا» را مرگ بر ظلم ، مرگ بر تبعیض ، مرگ بر جنگ ، مرگ بر بمب اتم ، مرگ بر کشتار زنان و کودکان بیگناه ، مرگ بر دروغ ، مرگ بر جاسوسی ، مرگ بر خیانت و جنایت میدانم .
مرگ بر ...

واژه های «بد» و مضمض کننده کم می آورند جلوی اعمال امریکایی ها ، پس بگذار خودمان را راحت کنیم ، بگذار بجای همه ی این ها بگوییم ، «مرگ بر آمریکا»

بیا نه ظلم کنیم و نه ظلم بپذیریم ، بیا بمانیم پای مردانگی مان بمانیم و بتازیم تا جایی که ظلم و ظالم را زیر پا بگذاریم بیا بگوییم «مرگ بر آمریکا»

بعضی خیلی راحت می پذیرند این ها را بعنوان آقا بالاسر خود و گردن کج کرده و از پایین به بالا نگاه می کنند به سیمای غیرانسانی این جماعت .

تا زمانیکه این چنین باشد اوضاع به کام است و به قولی همه چیز آرام است . یکی میزند و دیگری میخورد . یکی میخورد و دیگری می میرد از گرسنگی ...

اما در میان این قائله ی گل و لبلب جماعتی پیدا می شوند که بازی مفرح دهکده را به هم میزنند . جماعتی که نگاهشان نه به شکم شان ، که به عقل ها و فطرت هایشان است . نگاهشان نه به پایین ، که به بالاست ، به خدا ، به کلام خدا . به « لا تُظَلِّمُونَ وَ لا تُظَلَّمُونَ » .

نگاهشان الهی است فلذا انسانی اندیشیده و عمل میکنند . نه ظلم میپذیرند و نه ظلم میکنند .

این جماعت با یک اتفاق تاریخی که محصور در یک تاریخ نیست به جهان معرفی می شوند . اتفاقی به زیبایی و عظمت انفجار نور ، اتفاقی به نام «انقلاب» ، از جنس «اسلامی» اش و در میان مردمانی پاک نهاد و پاک سرشت و پارسا ، مردم «ایران» ...

آری! «انقلاب اسلامی ایران» ...
انقلابی که آمده که بهم بریزد این بساط را . انقلابی که آمده که نه تنها در آن بازی جای نگیرد بلکه بنیان های آنرا هم به چالش کشیده و نهایتا نابود کند آنرا . جماعتی سربرآورده از این انقلاب ، که «انقلابی» میخوانندشان ، نه تنها نمی ترسند از قدرت های حیوانی این دهکده ، که میترسانند آنها را . جلوه دارشان می گوید این ها هیچ غلطی نمی توانند بکنند ، سیل بشوید و خروش کنید و سیلی بزنید بر این ها .
انقلاب شد و انقلابی ها آمدند و انقلاب کردند در دنیای ظالم ها و مظلوم ها ...

متن و پوستر از : Mahdiyar85

شماره لینک افسران : ۴۱۰۷۱۳



اندازه اصلی:

جنايات آمريكا



آمریکا از منظر امام خمینی

حضرت امام خمینی (رضوان الله علیه):

هرچه فریاد دارید، بر سر آمریکا بکشید که همین فریاد همگانی «مرگ بر آمریکا» برای او مرگ می آورد (۱)



آمریکا کیست؟

آمریکا دشمن شماره اول بشر و ما است، (۲)
آمریکای جهانخوار، بزرگترین دشمن اسلام و مسلمانان جهان می‌باشد، (۳)

آمریکای حيله گر، دشمن شماره یک است و به خون اسلام و استقلالشان تشنه است، (۴)
آمریکا دشمن شماره یک مردم محروم و مستضعف جهان است .

آمریکا برای سیطره سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و نظامی خویش بر جهان زیر سلطه، از هیچ جنایتی خودداری نمی‌نماید، (۵)

آمریکا دشمن همه ادیان است حتی مسیحیت، آمریکا اصلاً اعتنا به ادیان ندارد و جز منافع خودش را نمیخواهد، حتی منافع آمریکا (ها) هم نمی خواهد، منافع دولت آمریکا را میخواهد، (۶)

سرشت آمریکا؛ دشمنی با اسلام

در نهاد و سرشت آمریکا، کینه و دشمنی با اسلام ناب محمدی (ص) موج می‌زند، (۷)

آمریکا و اسرائیل با اساس اسلام دشمنند، چراکه اسلام و کتاب و سنت را خار راه خود و

مانع از چپاولگری‌شان می‌دانند، چراکه ایران با پیروی از همین کتاب و سنت بود که در مقابل

آنان به پاخاست و انقلاب نمود و پیروز شد، (۸)

تعمد جهان‌خواران به نابودی اسلام

آنان که هنوز بر این باورند و تحلیل می‌کنند که باید در سیاست و اصول و دیپلماسی خود تجدید نظر نماییم و ما خامی کرده ایم و اشتباهات گذشته را نباید تکرار کنیم و معتقدند که شعارهای تند یا جنگ سبب بدبینی غرب و شرق نسبت به ما و نهایتاً انزوای کشور شده است و اگر ما واقعگرایانه عمل کنیم، آنان با ما برخورد متقابل انسانی می‌کنند و احترام متقابل به ملت ما و اسلام و مسلمین می‌گذارند، این یک نمونه است که خدا میخواست پس از انتشار کتاب کفرآمیز «آیات شیطانی» در این زمان اتفاق بیفتد و دنیای تفرعن و استکبار و بربریت، چهره واقعی خود را در دشمنی دیرینه اش با اسلام برملا سازد تا ما از ساده اندیشی به درآییم و همه چیز را به حساب اشتباه و سوء مدیریت و بی تجربگی نگذاریم و با تمام وجود درک کنیم که مسأله،

اشتباه ما نیست بلکه تعمد جهان‌خواران به نابودی اسلام و مسلمین است.

روحانیون و مردم عزیز حزب الله و خانواده های محترم شهدا حواسشان را جمع کنند که با این تحلیلها و افکار نادرست، خون عزیزانشان پایمال نشود، (۹)

تا نابودی کامل ما، از ما دست‌بردار نیستند

خطر آمریکا به حدی است که اگر کوچکترین غفلتی کنید، نابود می شوید. هر دو ابرقدرت، کمر به نابودی ملل مستضعف بسته‌اند و ما باید از مستضعفین جهان پشتیبانی کنیم، (۱۰)
آمریکا و شوروی در کمین نشسته اند و تا نابودی کاملتان از شما دست بر نخواهند داشت، (۱۱)

وظیفه ما دقیقاً مبارزه با آمریکای جهان‌خوار

جهان باید بداند که ایران راه خود را پیدا کرده است و تا قطع منافع آمریکای جهان‌خوار، این دشمن کینه توز مستضعفین جهان، با آن مبارزه‌ای آشتی‌ناپذیر دارد و حوادث ایران نه تنها ما را برای لحظه ای عقب نخواهد نشاند، که ملت ما را در نابودی منافع آن مصمم تر خواهد کرد. ما مبارزه سخت و بی امان خود را علیه آمریکا شروع کرده ایم و امیدواریم فرزندانمان با آزادی از زیر یوغ ستمکاران، پرچم توحید را در جهان بیفرازند .

ما یقین داریم اگر دقیقاً به وظیفه مان که مبارزه با آمریکای جنایتکار است، ادامه دهیم، فرزندانمان شهید پیروزی را خواهند چشید، (۱۲)

لزوم فریاد همگانی «مرگ بر آمریکا»

اگر همه مسلمینی که در دنیا الآن هستند که قریب یک میلیارد هستند، (۱۳)



همه از خانه بیرون بیایند، فریاد بکنند «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر اسرائیل»، همین قول برای آن‌ها مرگ می‌آورد. (۱۴)

ما با فریاد، محمدرضاخان را بیرون کردیم. شما خیال میکنید با تفنگ بیرون کردیم؟ با فریاد، با «الله اکبر!» این قدر «الله اکبر» بر مغز این‌ها کوبیده شد که خودشان را باختند و فرار کردند. از این مملکت رفتند.

مسلمین باید فریاد بزنند، گمان نکنند که فریاد و شعار فایده ندارند. خیر، شعار فایده دارد، اما اگر همه فریاد بزنند، فریاد من تنها هیچ چیز نیست. فریاد یک محله، یک شهر هیچ چیز نیست. (۱۵)

ما باید هرچه فریاد داریم، به سر این‌ها بزنیم. (۱۶)

هرچه فریاد دارید، بر سر آمریکا بکشید

بدانید شما با یک قدرتی مواجه هستید که اگر یک غفلت بشود، مملکتتان از بین می‌رود. غفلت نباید بکنید. غفلت نکردن به این است که همه قوا، هرچه فریاد دارید، سر (آمریکا) بکشید، هرچه تظاهر دارید، بر ضد آن بکنید. هر عملی دارید؛ عمل مثبت را، (بر ضد) آن کنید. (۱۷)

فریاد «مرگ بر آمریکا»؛ برخلاف اسلام!!!

بار الها! ملت مجاهد ما در این برهه زمان، با چه حوادثی و با چه چهره‌هایی مواجه است؛ عصری که حکومت‌های مسلمین آن‌چنانند و رسانه‌های گروهی آن‌چنان و ابرقدرتها این‌چنین، عصری که باطل را به صورت حق به خورد مردم می‌دهند و جنایات را به صورت صلح طلبی، عصری که دشمنان اسلام و مسلمین با ملت‌های مستضعف، آن میکنند که چنگیز نکرد و اکثر حکومت‌های مسلمانان، در جنایاتی که بر ملت‌های خود می‌رود، از جانبان طرفداری می‌کنند، عصری که فریاد مرگ بر اسرائیل و آمریکا، برخلاف اسلام تلقی میشود! (۱۸)

اعلان برائت؛ مرحله اول مبارزه

اعلان برائت، مرحله اول مبارزه و ادامه آن مراحل دیگر، وظیفه ما است و در هر عصر و زمانی، جلوه‌ها و شیوه‌ها و برنامه‌های متناسب خود را میطلبد و باید دید که در عصری همانند امروز که سران کفر و شرک، همه موجودیت توحید را به خطر انداخته‌اند و

تمامی مظاهر ملی و فرهنگی و دینی و سیاسی ملت‌ها را بازیچه هوسها و شهوت‌ها نموده‌اند، چه باید کرد؟ (۱۹)

برائت؛ سرآغاز علنی ساختن منشور مبارزه

اعلان برائت (۲۰)، تجدید میثاق مبارزه و تمرین تشکل مجاهدان برای ادامه نبرد با کفر و شرک و بت پرست‌ها است

و به شعار هم خلاصه نمی‌شود که سرآغاز علنی ساختن منشور مبارزه و سازماندهی جنود خدای تعالی

در برابر جنود ابلیس و ابلیس صفتان است و از اصول اولیه توحید به شمار می‌رود. (۲۱)

مبارزه تا نابودی کامل دشمنان جهان‌خوار

ما به یاری خدا تا نابودی کامل دشمنان اسلام و ملت‌های مستضعف جهان در برابر آنان، و به خصوص در مقابل آمریکای جهان‌خوار ایستادگی خواهیم کرد. (۲۲)

آمریکای جهان‌خوار باید بداند که ملت عزیز و خمینی تا نابودی کامل منافعی او را راحت نخواهند گذاشت و تا قطع هر دو دست آن، به مبارزه خدایی خود ادامه خواهند داد. (۲۳)

ما تا آخر عمر، علیه دولت آمریکا مبارزه می‌کنیم و تا آن‌را به جایش نشانیم و دستش را از منطقه کوتاه نکنیم و به تمام مبارزان راه آزادی کمک نکنیم؛

تا آن‌ها را شکست دهند و خود مردم ایران سرنوشت خویش را به دست گیرند، از پای نمیشینیم. (۲۴)

دنیا باید آمریکا را از بین ببرد و الا تا این‌ها هستند، این مصیبت‌ها در دنیا هست. اینجا نشد، یک جای دیگر. (۲۵)

منابع:

- ۱- صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۳۷۳
- ۲- صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۳۰۵
- ۳- صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۷۹
- ۴- صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۱۲
- ۵- صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۳۱۲
- ۶- صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۵۲
- ۷- صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۲۸
- ۸- صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۹۱
- ۹- صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۲۰۲
- ۱۰- صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۸۹
- ۱۱- صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۱۷۱
- ۱۲- عبارت «اگر در روز قدس» از اینجا حذف شده است.
- ۱۳- صحیفه امام، ج ۱۳، صص ۸۰ - ۸۱
- ۱۴- صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۹۰
- ۱۵- صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۸۴
- ۱۶- صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۱۲۱
- ۱۷- صحیفه امام، ج ۱۷، صص ۵۰ - ۵۱
- ۱۸- صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۱۶
- ۱۹- عبارت «در حج» از اینجا حذف شده است.
- ۲۰- صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۱۶
- ۲۱- صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۲۶۱
- ۲۲- صحیفه امام، ج ۱۴، صص ۴۰۷ - ۴۰۸
- ۲۳- صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۷۵
- ۲۴- صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۸۴

شماره لینک افسران: ۴۰۹۳۹۹



کاپیتولاسیون

کاپیتولاسیون در اصطلاح امروزی به عهد نامه یا قراردادی گفته می شود که بین نمایندگان دولت بیگانه در کشور میزبان، منعقد می شود تا از طریق آن، اختیاراتی بیشتر از قوانین کشور میزبان به آنها داده شود.

کاپیتولاسیون در واقع یک امتیاز استعماری است، چون برای اتباع یک کشور خارجی در کشوری که مقررات را پذیرفته، مصونیت قضایی ایجاد کرده و آنها را از مجازات اعمال خلاف خود در کشوری که مرتکب جرم یا خلاف شده اند مصون می کند. سابقه ی کاپیتولاسیون در ایران به سالهای بسیار دور بر می گردد. کاپیتولاسیون برای اولین بار در سال ۱۸۲۸ میلادی، به موجب عهدنامه ی ترکمانچای به ایران تحمیل و در سال ۱۹۲۱، از طرف شوروی به طور یک جانبه لغو شد.

در سال ۱۳۴۳ شمسی، کاپیتولاسیون توسط رژیم پهلوی احیاء شد. روز ۲۱ مهر ۱۳۴۳ لایحه ای به نام "اجازه به مستشاران نظامی آمریکا برای استفاده از مصونیت سیاسی و اجتماعی و معافیت های مصرح در قرارداد وین" به تصویب مجلس شورای ملی (مجلس بیست و یکم) رسید. رژیم شاه به دلیل وابستگی شدیدی که به حضور مستشاران آمریکایی در ایران داشت، حاضر بود هرگونه امتیازی را حتی اگر به ضرر مملکت بود به آنها بدهد. به همین دلیل وقتی در اسفند ۱۳۴۰ پیشنهاد تصویب کاپیتولاسیون از طرف سفارت آمریکا در تهران به دولت ایران داده شد در ۱۳ مهر ۱۳۴۳ در کابینه ی اسدالله اعلم مورد تصویب قرار گرفت و سپس در ۲۱ مهرماه حسنعلی منصور نخست وزیر وقت، آن را به مجلس برد و نمایندگان هم آن را تصویب کردند.

امام خمینی (ره) در اعتراض به کاپیتولاسیون در روز ۱۴ آبان ۱۳۴۳ که مصادف با ولادت حضرت فاطمه (س) بود رژیم شاه را مورد حمله ی شدید قرار دادند و فرمودند:

انا لله و انا الیه راجعون... من تأثرات قلبی خودم را نمی توانم اظهار کنم، قلب من در فشار است. این چند روزی که مسائل اخیر ایران را شنیده ام، خوابم کم شده (گریه ی حضار) ناراحت هستم، قلبم در فشار است... ایران دیگر عید ندارد، عید ایران را عزا کرده اند (گریه ی حضار)..."

"قانونی در مجلس بردند که تمام مستشاران نظامی آمریکا با خانواده هایشان، با کارمندیهای فنی شان، اداری شان، یا خدمه شان، اینها از هر جنایتی که در ایران بکنند مصون هستند، اگر یک خادم آمریکایی، اگر یک آشپز آمریکایی مرجع تقلید شما را در وسط بازار ترور کند، پلیس ایران حق ندارد جلوی او را بگیرد! دادگاه های ایران حق ندارند محاکمه کنند! باید برود آمریکا، آنجا در آمریکا ارباب ها تکلیف را معین کنند!... ملت ایران را از سگ های آمریکایی پست تر کردند، اگر چنان چه کسی سگ آمریکایی را زیر بگیرد، بازخواست از او میکنند... هیچ کس حق تعرض ندارد، چرا؟ برای اینکه می خواستند وام بگیرند از آمریکا، آمریکا گفت این کار باید بشود

آقا تمام گرفتاری های ما از این آمریکاست، تمام گرفتاری های ما از این اسرائیل است.

اسرائیل هم از آمریکاست...

به دلیل اعتراضات امام خمینی (ره)، مأموران رژیم پهلوی در شب ۱۳ آبان ۱۳۴۳، ایشان را بازداشت و به ترکیه تبعید کردند.

شهدای انقلاب



شکست هیمنه

توسط رژیم شاه، تعدادی از دانشجویان خشمگین، سفارت آمریکا در تهران را اشغال کرده و همه ی کارکنان آن را به گروگان گرفتند.

در اطلاعیه های اولیه، اصلی ترین خواسته ی این دانشجویان استرداد شاه و قطع توطئه های آمریکا علیه ایران عنوان شد. با شنیدن این خبر مو به تنم سیخ شد. اصلا قابل باور نبود. با اشتیاق زیاد خبرهای مربوط به این واقعه ی عجیب را دنبال میکردم. همه ی کارم شده بود جست و جو کردن کانال های مختلف تلویزیونی. می خواستم هر طوری شده از کم و کیف ماجرا اطلاع پیدا کنم. تا این که بالاخره امشب، مجری خبری شبکه ی تلویزیونی Z.D.F روی صفحه ی تلویزیون ظاهر شد و گفت: تا چند لحظه ی دیگر نظر شما بینندگان عزیز را جلب می کنم به مصاحبه ی مطبوعاتی سخنگوی جوانان خشمگین طرفدار خمینی، که روز چهارم نوامبر، سفارت آمریکا در ایران را اشغال کردند. در جا میخکوب شدم و خودم را به صفحه ی تلویزیون نزدیک تر کردم. ابتدا صحنه هایی از چند و چون اشغال سفارت آمریکا را نشان دادند. بعد، تصاویری از گروگان های آمریکایی؛ در حالی که با پارچه های سفیدی چشم های شان بسته شده بود. با دیدن این صحنه ها بود که احساس کردم هیمنه ی آمریکا فرو ریخت. بعد از نشان دادن گروگانها، دوربین رفت داخل سالن نسبتا بزرگی که بک طرف آن، چند جوان نشسته اند و در طرف دیگر، کیپ تا کیپ، خبرنگارانی از کشورهای مختلف دنیا؛ با انواع و اقسام دوربین های فیلمبرداری، عکاسی، ضبط خبرنگاری و ... بعد از لحظاتی، یکی از خبرنگارهای خارجی، که از قیافه اش معلوم بود اروپایی است، پشت میکروفون قرار گرفت و سؤالش را با مقدمه ای مطرح کرد: « همان طور که میدانید دیپلمات ها و کارکنان سفارتخانه های خارجی در هر کشوری مصونیت سیاسی دارند و افرادی که شما آن ها را به عنوان جاسوس دستگیر کردید و به گروگان گرفتید هم، از این مصونیت مستثنی نبودند؛ بفرمایید هدف شما از این عمل مغایر با شئون دیپلماتیک چه بوده است؟؟ دوربین چرخید و چرخید، تا این که روی صورت یکی از آن دانشجویها، که به نظر می رسید سخنگوی گروه شان هم اوست، زوم کرد. باورم نشد، همان طور مات و مبهوت به صفحه ی تلویزیون خیره شدم و بعد فریاد زدم: «زهر خانم، زهر خانم... بیا، بیا این جا! بین چی میبینی؟»

عیال سراسیمه به سمتم آمد و گفت: «چی شده؟»

به صفحه ی تلویزیون اشاره کردم و گفتم: « بین کیه داره مصاحبه میکنه؟ محسن، محسن وزوایی. زهرا با تعجب به صفحه ی تلویزیون خیره شد. همان جا روی زمین نشست و گفت: «راست میگی ها.» دوتایی چشم دوختیم به صفحه تلویزیون.

الان نزدیک به ده ماه از وقتی که در ایران انقلاب شده گذشته؛ آن هم انقلابی که یک رژیم ۲۵۰۰ ساله را متلاشی کرد. اما ظرف این چند ماهه، یک خبر درست و حسابی از وقایع ایران به ما نرسیده. مطبوعات و رسانه های آلمان هم که از همان فردای روز ۲۲ بهمن، دشمنی و خصومت خودشان را نسبت به انقلاب آیت الله خمینی نشان دادند. هر کانال تلویزیون را که باز میکنی، می بینی یک مشت عبارات کلیشه ای و خبرهای ساختگی تحویل میدهند. دیگر از این همه خبرهای ضد و نقیض خسته شدم. هیچ کدام از خبرهای شان هم پایه و اساس درست و حسابی ندارد. یک روز با آب و تاب خبر از پیروزی کردهای شورش در کردستان می دهند. روز دیگر بلوچ ها و ترکمن ها را در مقابل جمهوری اسلامی ایران قرار میدهند. وقتی از این دروغ بافی ها چیزی عایدشان نمی شود به تکاپو میافتند و با تنظیم سناریویی تازه، خبر رویارویی خلق عرب با رژیم ایران را مخابره میکنند.

چند شب پیش، یکی از همین کانال های تلویزیونی، با مونتاژ و دستکاری ناشیانه ای، فیلمی را نمایش داد که هر آدم عاقلی ساختگی بودن آن را می فهمید. در این فیلم که مثال درگیری مردم با پاسدارها را نمایش می داد، طوری وانمود کردند که مردم ایران نه تنها هیچ گونه آزادی ندارند، بلکه پاسدارها هم در اوج بی رحمی آن ها را قتل عام میکنند.

سه، چهار روز پیش، به عیال گفتم: « بیا از خبر ادامه ی تحصیل بگذریم و برگردیم ایران، من یکی به خدا خسته شدم. جواب داد: این همه زحمت کشیدیم، تحقیرها و تبعیض ها رو تحمل کردیم. دو سال هم که بیشتر نمونده، دندون روی جگر بگذار و تحمل کن تا این دو سال هم تموم بشه. گفتم: زهرا خانم، خیلی دلم گرفته؛ از این همه تنهایی و غربت، به خدا خسته شدم. اصلا می دونی؟ میخواهی به من بخندی هم بخند، دلم لک زده برای تهران؛ برای بچه های محل، برای مرتضی، اسماعیل، احمد، علی... علی الخصوص برای محسن.

تو که نمیدونی من و محسن چه دورانی داشتیم. شب و روزمون با هم یکی بود. اگر چند روز همدیگر رو نمی دیدیم، مریض می شدیم. دلم تنگ شده برای اون حال و هوا. برای کوچه و خیابان های درختی محله ی خودمون. چقدر من و محسن از آن کوچه پس کوچه های نظام آباد خاطره داریم، یادش بخیر؛ با هم می رفتیم سینما موناکو، فیلم های کاراته ای هنگ کنگی نگاه میکردیم.

محسن عجیب آدمی بود؛ هم به بازی و تفریح اش می رسید، هم به درس و مدرسه، بدجنس؛ انگاری پسرخاله ی ایشیتین بود، جدول عناصر شیمی رو طوری برات توضیح میداد که شاید مندلیف هم نمی توانست به اون خوبی از پس اش بریاد. تمام دلخوشی من هم تو این دو سه ساله، توی این دیار غربت، نامه های اون بوده،

این پسر مثل این که مهره ی مار داره. چنان با کلماتش پا بندم کرد که خودم هم نفهمیدم این مدت چه جور گذشت. هر دفعه هم با یک کلک و حقه ای سرم را گرم می کرد. یک روز مینوشت: ... شما سفیران انقلاب ما هستید، باید آن جا باشید و صدای مظلومیت ملت ایران را به گوش دنیا برسانید.

یک روز هم می نوشت: ... شما امیدهای آینده ی این انقلاب هستید، باید آن جا تخصص یاد بگیرید و بیاید این جا به مردم محروم خدمت کنید.

چند ماهی می شد که از او خبری نداشتم. تا اینکه پریشب آن خبر از تمام رسانه های گروهی آلمان پخش شد. خبر این بود: در سالروز کشتار دانش آموزان ایرانی





محسن قبل از اینکه به سؤال مرد خبرنگار پاسخ بدهد، ابتدا آیه ای از قرآن را با آهنگ دلنشینی قرائت کرد. بعد خیلی روان، با انگلیسی سلیس، جواب آن خبرنگار را داد. شبکه Z.D.F داشت حرف های محسن را به آلمانی زیرنویس میکرد، او گفت: «ما هم با قوانین و شئون دیپلماتیک دنیا آشنایی داریم، ما هم میدانیم که دیپلمات ها در کشورهای خارجی مصونیت دارند. از این ها گذشته، قوانین دین ما، اسلام هم به ما توصیه می کند که با میهمان به درستی برخورد کنیم. اما متأسفم که بگوییم نه این جا یک سفارتخانه بود و نه اینها کاردار و دیپلمات. شاید برای شما باورکردنی نباشد، اما من به شما عرض می کنم؛ ما بعد از گذشت چند ماه

از انقلاب بود که فهمیدیم سرخ بسیاری از توطئه ها این جاست. ما ایمان پیدا کردیم که درگیری های کردستان، گنبد، بلوچستان و خیابان های تهران از این جا خط میگیرند.

همین جا توضیح بدهم که ما با دولت ایران کاری نداریم، خط ما از خط دولت آقای بازرگان جداست. ما تعدادی دانشجو هستیم که بر حسب احساس وظیفه ای دینی، برای خشکاندن ریشه ی توطئه آمدیم و سفارت آمریکا را تصرف کردیم. این کار ما هیچ ربطی به دولت ایران ندارد.» بعد رو کرد به خبرنگارها و گفت: «شما اگر واقعا دنبال حقیقت هستید این حرف های من را که سؤال همه ی ایرانی های آزاده است، به مردم دنیا مخابره کنید، تا یکی پاسخ سؤال های ما را بدهد. ما می گوییم اگر این جا سفارتخانه است، چرا این همه سیستم پیچیده ی شنود و جاسوسی در آن نصب شده؟ اگر این جا سفارتخانه است، چرا این همه سند را در دستگاه های کاغذ خردکن ریختند و آنها را نابود کردند؟» بعد انبوه زیادی از کاغذهای خرد شده که با وسواس زیادی به هم بافته شده بود را در معرض دید دوربین ها قرار داد و گفت: «این ها، مقدار اندکی از سندهای

همکاری مأمورین سفارتخانه ی آمریکا با سران گروه هایی است که قصد براندازی جمهوری اسلامی ایران را داشتند.

ما این جا به اسنادی دست پیدا کردیم که نشان می دهد ستاد حوزه ی جنوب غربی آسیای آژانس مرکزی اطلاعات آمریکا C.I.A در محل همین به اصطلاح سفارتخانه مستقر بوده و ریاست این ستاد را هم یکی از افسران ارشد واحد امور خاور نزدیک سازمان C.I.A به اسم آقای «توماس آهرن» به عهده داشته. خود «آهرن» الان یکی از گروگانهاست و صراحتا به ما گفته که از همین محل به نیروهای ضد انقلاب اسلامی ایران رهنمود براندازی و حقوق می داد.

خبرنگارها یکی یکی سؤال میکردند و محسن هم خیلی محکم، پاسخ همه ی آنها را می داد. از خوشحالی داشتم بال درمیآوردم. چشمم به صفحه ی تلویزیون بود، اما دیگر نمی فهمیدم چه می شنوم. فقط به چهره ی باصلاط محسن که حال کل صفحه ی تلویزیون را پر کرده بود، خیره شدم. خاطرات مشترک با محسن یکی یکی در ذهنم زنده شد. خاطرات سال های دوربر حسب خاطرات دوران تحصیل، خاطرات روز خداحافظیمان در محوطه ی فرودگاه مهرآباد تهران، خاطرات بی تابی ام برای دریافت تک به تک نامه هایش... همه و همه مثل یک فیلم سینمایی از جلوی چشم هایم رد شدند. موقعی به خودم آمدم که دیگر مصاحبه تمام شده بود. گزارش تلویزیونی Z.D.F از کنفرانس مطبوعاتی تهران که به آخر رسید، تازه به خودم آمدم. یک بار دیگر، محسن مرا برای ادامه ی تحصیل شارژ کرد، شارژ شارژ.

نویسنده: گل علی بابایی

کارتر رفت...

یادداشت سید محمد خاتمی (انقلابی دیروز و اصلاح طلب امروز) همزمان با آزادی گروگان‌ها

مردم دنیا مشاهد بودند که جانشین کارتر از موضع خشونت و تهدید ملل مستضعف و وعده تقویه بنیه نظامی آمریکا، حرکت خود را بسوی کاخ سفید آغاز کرد و بالاخره به آن راه یافت.

علی‌رغم تصور ساده اندیشان که میان «کارتر» و «ریگان» و یا به تعبیر درست تر، میان «حزب دمکرات» و «حزب جمهوری‌خواه» تفاوت قائل هستند، هیچ گونه تفاوت بنیادی میان این دو وجود ندارد که این دو، نمایندگان و تبعاً حافظ منافع نظام سرمایه داری در غرب هستند که هرچند بخش‌ها و جناح‌های مختلف دارد اما اصل نظام، مبتنی بر فلسفه و اندیشه خاص و در نتیجه برخوردار از ضد ارزش‌هایی است که انسان را از محتوا تهی می‌کند و او را به صورت ابزاری در دست آزمندی صاحبان مکتب و قدرت در می‌آورد. مصیبت بشری، نه در شیوه‌ها و شگردهای متفاوتی است که وابستگان به جناح‌های مختلف سرمایه داری



جهانی در برخورد با آدم‌ها و ملت‌ها بکار می‌برند که بخشی از فاجعه بزرگ روزگار ما را ذات نظام سرمایه‌داری تشکیل می‌دهد. می‌گوییم بخشی از فاجعه تا از یاد نبریم که تمام فاجعه اجتماعی بشر امروز در توسعه طلبی است و این بلای ویرانگر علی‌رغم تحلیل‌های خیال‌پردازانه وابستگان به نظام فکری مارکسیسم، اختصاص به دنیای سرمایه‌داری ندارد و لاجرم مبارزه بر علیه سلطه طلبی باید هر دو قطب توسعه طلب جهانی را شامل گردد که در غیر این صورت استقلال واقعی تامین نخواهد شد.

اخلاقی که آقای کارتر بر آن تکیه می‌کرد و «حقوق بشر»ی که از آن دفاع می‌نمود هیچ گاه نمی‌توانست از ارزش‌هایی که پرورنده سیاستمدارانی چون «کارتر» است تهی باشد و دست کم مردم ایران ثمرات آن را طی ۴ سالی که وی بر سر قدرت بود دیدند و پیش و پس از پیروزی انقلاب شاهد بودند که سیاست آمریکا در مقابله با انقلاب اسلامی ایران چه روش‌هایی را اتخاذ نمود.

زمامداران آمریکا از حزب دمکرات هیچ راه ناپیموده‌ای را باقی نگذاشتند تا «ریگان» بتواند از آن راه به مقابله با جمهوری اسلامی ایران برخیزد. بنابراین نه انتخاب «هیگ» بعنوان وزیر امور خارجه، نه سفرهای توطئه‌انگیز صهیونیست کهنه کاری چون «کیسینجر» به خاورمیانه و نه پیمان‌هایی که به فرمان آمریکا میان ملت‌های مزدور و مرتجع منطقه برای مقابله با انقلاب اسلامی و حفظ پایگاه‌های لرزان آمریکا در این نقطه از جهان بسته می‌شود هیچ کدام در نهایت مشکل غیرمنتظره‌ای را بیش از آنچه تاکنون پیش آمده است پدید نخواهد آورد.

پیمان‌های جدیدی که بسته شده است یا در شرف بسته شدن است هرگز نخواهد توانست دشواری بزرگ‌تری را از آنچه در اثر نزدیکی رژیم مزدور حاکم بر عراق با عربستان و دیگر کشورهای مرتجع منطقه به وجود آورد، برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد کند.

برنامه‌هایی که علیه انقلاب اسلامی ایران طرح ریزی شده و یا خواهد شد، دقیقاً در ادامه طرح‌هایی است که تاکنون اجرا شده کم و بیش به شکست انجامیده است. اما یک نکته را نباید از یاد برد که سرعت اعجاز آمیز انقلاب اسلامی ایران صاحبان انگاره‌های قدرتمداری دنیا و تخصص، ایادی شیطان بزرگ را چنان گیج و سرسام‌زده کرد که مجال اندیشیدن را از آنان گرفت و به عکس‌العمل‌های شتاب‌زده در برابر ایمان و اراده و اتحاد مردم قهرمان ایران که از رهبری والای اسلامی برخوردار بودند وادارشان کرد. هوشیاری و قاطعیت رهبر و اطمینان امت به رهبری درست او و در نتیجه آمادگی فراوان برای جانبازی

امام مدتها پیش فرمودند که: «آقای کارتر باید سراغ کار دیگری برود» و اینک «کارتر» برای پرداختن به آن کار دیگر کاخ سفید را ترک کرده است و جای خود را به «ریگان» سپرده است.

بدون شک عمده‌ترین عامل سقوط رئیس جمهور پیشین آمریکا عبارتست از پیروزی انقلاب اسلامی ایران که در سایه آن بزرگترین پایگاه تجاوز آمریکا در منطقه سقوط کرده است و نه تنها آمریکا مطمئن‌ترین پایگاه تجاوز را از دست داده، بلکه پایگاه دیروز بصورت کانون آرمان‌های استقبال طلبانه در سراسر دنیا درآمده است و چون پیکانی بر قلب سیاه آمریکا نشسته است.

آنچه در نظر اول قابل مشاهده است سقوط «کارتر» است ولی واقع امر چیزی جز به رسوائی کشیدن سیاست‌های تجاوزکارانه آمریکای توسعه طلب نیست. گردانندگان پشت پرده این سیاست‌ها در واقع با تبدیل «کارتر» به «ریگان» بر روی افشاح شکست خود در ایران و جهان سرپوش می‌گذارند و بیچاره مردم آمریکا که قربانی دسیسه‌های پشت پرده‌اند، زیرا برای آنان صحنه را چنان آراسته‌اند که در انتخاباتی که به ظاهر آزاد هم هست راهی جز برگزیدن سیاستمداران حاکم از میان دو حزبی که وابسته به مراکز قدرتمند باقی نمی‌ماند و این خود شعبده بزرگ روزگار ما است که در پوشش پر زرق و برق‌ترین دموکراسی‌ها، تحمیلی‌ترین سیاست‌ها را به صحنه می‌آوردند یعنی صحنه را چنان می‌آرایند که علی‌احمال هر کس برگزیده شود بمثال آلتی در دست آزمندانی است که گرداننده اصلی سیاست‌های جهان‌اند.

واقعیت هر چه باشد اما تاریخ این حقیقت را ثبت رسانده است که دیگر دوران فرمانروائی بی‌چون و چرای ابرقدرت‌ها بر دنیا به پایان رسیده است و حتی کار بدانجا کشیده است که ملت مظلومی در سایه برخورداری از رهبری بی‌همانند اسلامی به چنان آگاهی و اقتدار معنوی برسد که بتواند اثری تعیین‌کننده بر سرنوشت انتخابات آمریکا بگذارد و رئیس جمهور پر نخوت‌ترین امپراطوری طراز نوین را از عرش استکبار به زیر بکشد و وی را سرافکننده به سراغ کار دیگر بفرستند.

آنچه مهم است اینکه با چنین کار بزرگی رسالت تاریخی این مردم قهرمان که امروز چشم امید همه مظلومان جهان به آنان است به پایان نرسیده است، بلکه باید همچنان مقاوم و نستوه با بهره‌گیری از رهبری‌های تاریخ‌سازی که خدای هستی در این لحظه حساس به آنان ارزانی داشته است، کل سیاست‌های توسعه طلبانه را از صحنه خارج سازد و همه مستضعفان را از چنگال مخوف آدم‌خواران وحشی نجات دهند. و این کار گرچه دشوار است اما اگر وعده خدا را باور داشته باشیم میسر است و مسلمانان بعنوان امت وسط، وظیفه‌دار انجام این رسالت‌اند و خوشبختانه تجربه زنده انقلاب در این مدت کوتاه به ما آموخته است که اگر اراده این مردم، در مسیری که رهبری درست اسلامی تعیین می‌کند جریان یابد چه ناممکن‌ها را ممکن خواهد کرد.

باری، مردم ایران و دیگر نقاط جهان از یاد نبرده‌اند که ۴ سال پیش آقای «کارتر» با قیافه‌ای حق به جانب در حالی که تلاش می‌کرد خود را درهاله‌ای از معصومیت و انسان دوستی پنهان نگاه دارد، فریبکارانه راه خود را بسوی کاخ سفید باز کرد و مدتی شد که اساس کار و سیاستش را بر اخلاق انسانی و دفاع از حقوق بشر استوار خواهد کرد. و امسال



آنچه در این لحظات حساس تعیین کننده است، عبارت است از هوشیاری مردم در برابر تبلیغات دروغین گروه‌های منحرف و به طور کلی تمامی آنان که این لحظات بحرانی را موقع مناسبی برای حمله به همه کس و همه چیز تشخیص دادند. تبلیغاتی که توجه مردم را از مسائل عمده‌ای که موجودیت ایران و جمهوری اسلامی را تهدید می‌کند به سوی مسائل فرعی و عمدتاً ناچیزی که جز در سایه ثبات رفع آن‌ها میسر نیست منحرف می‌کند. دردآورتر اینکه منتقدان رسمی حکومت به معنی وسیع کلمه به جای انتقاد سنجیده و رعایت اولویت‌ها و علیرغم توصیه‌های مکرر امام می‌کوشند تا با تکه غلوآمیز بر روی نارسایی‌هایی که هستند و پاره ای از آنها نیز معلول ضعف‌های خودمان هستند، فضایی سرشار از بدبینی و هیجان را در میان مردم پدید آورند و بدین وسیله، اداره کنندگان مملکت را که سخت‌کوش و مخلص نیز هستند در رفع مشکلات و مسائل با ناکامی روبرو سازند و از این راه برای خود کسب وجهه نمایند تا وجهه از دست رفته را بازیابند و همین جو مسموم، امکان برخورد منطقی به مسائل و مشکلات را از دردمندان واقعی و مومن به جمهوری اسلامی که برای موجودیت انقلاب و اسلام بیش از رفع نارسایی‌های جرئی ارزش قائلند، می‌گیرند و کارتر اینک رفته است و رفتن او گرچه نشانه پیروزی تحسین انگیز قدرت ایمان و اسلام در روزگار ما بر جبهه کفر و شرک جهانی است اما به هر حال سیاست‌های توسعه‌طلب همچنان وجود دارد و امروز زخم خورده‌تر از همیشه تمام نیروی خود را برای نابودی هر حرکت استقلال‌طلبانه در جهان و در راس آن انقلاب اسلامی ایران که برای بخش‌های بزرگی از دنیا جاذبه ای فوق العاده دارند، به کار خواهند گرفت.

بیدار باشیم و خداترس و با درک نقش تاریخی که برعهده ما است مقدم دارنده منافع امت بر منافع موسمی شخصی یا گروهی خویش. و چنین باد.

روزنامه کیهان

۳۰ دی ۱۳۵۹

در راه پاسداری از دستاوردهای انقلاب در مردم نقشه‌های خائنه آمریکا را یکی پس از دیگری نقش برآب نمود. توطئه آشوب در گوشه و کنار مملکت، تلاش برای نفوذ در کادر اداری کشور در سطح بالا، طرح کودتاهای گوناگون و حمله مستقیم نظامی به ایران همگی از سوی آمریکا به تجربه گذاشته شدند و خوشبختانه هوشیاری انقلابی اکثریت قریب به اتفاق مردم تاکنون اجازه نداده است که این نقشه‌ها نتیجه مطلوبی را برای دشمنان انقلاب به بار آورد.

در اینجا لازم است که یکی از بلندترین فرازهای انقلاب را به ستایش بنشینیم و کار بزرگ اشغال مرکز فرمانروایی آمریکا بر ایران زمان شاه به وسیله دانشجویان مسلمان پیرو خط امام گرامی بداریم. این عمل بزرگ بود که توطئه وحشتناک آمریکا را در زمینه نفوذ در مراکز بالای تصمیم‌گیری و اجرایی جمهوری نوپای اسلامی خنثی کرد و به مردم شهید داده ایران آگاهی فراوان بخشید تا بتوانند نقشه‌های بعدی آمریکا را که بخشی از آن به افشای اسناد لانه جاسوسی بر مردم معلوم شد، نقش برآب کنند. گرچه کار مبارزه با آمریکای جهنم‌خوار با اشغال لانه جاسوسی و مرکز توطئه آمریکا در ایران آغاز نشد و ختم این ماجرا به معنی پایان درگیری با آمریکا نیست، بلکه ماهیت انقلاب اسلامی بالضروره ایران را به میدان مبارزه بی‌امان و آشتی‌ناپذیر با هر نیروی تجاوزگر و توسعه طلب و به خصوص آمریکا به عنوان شیطان بزرگ کشانده است. مبارزه‌ای که نتیجه‌اش در سرنوشت نه تنها ایران که کل بشریت تاثیر تعیین کننده‌ای خواهد گذاشت ولی به هر حال اشغال مرکز فرمانروایی آمریکا بر ایران به این مبارزه اوجی تازه بخشید و تصمیم ملت مسلمان ایران را به رد هر گونه سازش و تسلیم در برابر این ابرقدرت خونخوار به اثبات رساند.

چهره دوست داشتنی عزیزانی که به این ابتکار شجاعانه دست زدند و عملشان مورد تایید امام و امت قرار گرفت هیچ گاه از خاطره تاریخ مبارزات خون بار اسلامی در این مملکت زوده نخواهد شد. باری، نقشه‌هایی که از این پس به وسیله شیطان بزرگ در مورد ایران اجرا خواهد شد دقیقاً در ادامه همان نقشه‌های پیشین، منتهی با حسابگری و دوراندیشی بیشتر از سوی آمریکا خواهد بود و تبعاً بی‌اثر کردن آنها نیز نیازمند آگاهی و آمادگی انقلابی بیشتر از سوی دست اندرکاران امور و مردم است. دشمن در دو جبهه داخلی و خارجی همچنان به توطئه ادامه خواهد داد. اینک که همت بلند مردم، رویای خوش اسارت مجدد ایران بدست آمریکا را از طریق پیروزی برق‌آسای رژیم بعث عراق از سر اربابان شاه بیرون کرده است و نیروهای رزمنده اسلام و فرزندان انقلاب نه تنها جلوی دشمن متجاوز را گرفته‌اند بلکه علی‌رغم همه مشکلات سیاسی و اقتصادی توانسته‌اند غیرمنتظره‌ترین ضربات را بر پیکر دشمنی که از هر سو تقویت می‌شود وارد آورند، آمریکا در تلاش گشودن جبهه‌های تازه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران است به این امید که اراده استوار ملت را برای ایستادگی در برابر تجاوز درهم بشکند و جمهوری اسلامی را دچار ضعف و در نهایت نابود کند. در این زمینه نمی‌توان از کنار شواهد و قرائنی که از سازش میان ابرقدرت‌ها بر سر ایران حکایت می‌کند و تلاشی که برای تحریک دولت‌های مرتجع منطقه علیه جمهوری اسلامی ایران وجود دارد بی‌تفاوت عبور کرد و در نتیجه ایجاد می‌کند که با تحرک بخشیدن به سیاست‌های خارجی و حضور فعال در صحنه‌های مشروع بین‌المللی و حتی ایجاد جبهه‌های متحد اسلامی و ضد امپریالیستی در صدد رویارویی با دسیسه‌های حساب شده دشمنان خارجی انقلاب برآئیم.

در جبهه داخلی تلاش آمریکا برای دامن زدن به جو اغتشاش و شورش و تضعیف همه ارگان‌های رسمی و قانونی افزایش خواهد یافت که نشانه‌های گویایی از آن را در حملات متحد و هماهنگ همه نیروهای مخالف از مادون راست گرفته تا ماورا چپ، علیه جمهوری اسلامی می‌توان مشاهده کرد. و هیچ جای تعجب نیست اگر می‌نگریم که در بحبوحه درگیری عظیم نیروهای مسلح و تمام مردم ایران با رژیم مزدور عراق و در حالیکه بهترین فرزندان این مملکت در مرزها می‌جنگند، در تهران و پاره‌ای از شهرها عده‌ای انگشت‌شمار در صدد ایجاد بلوا بر می‌آیند تا شاید جنگ را از مرزها به داخل بکشانند و ای کاش مقامات قضائی با صراحت به مردم می‌گفتند که این عده با چه ترکیبی بلواگری می‌کنند و چه گروه‌هایی برای ضربه زدن به جمهوری اسلامی دست به دست هم می‌دهند.

ایران، قربانی ترور



مجموعه طرح‌هایی از
خانه طراحان انقلاب اسلامی
blog.khanetarrahan.ir



اسناد لانه جاسوسی

در اینجا چند سند از اسناد محرمانه آمریکا که هنگام تصرف لانه جاسوسی به دست دانشجویان مسلمان افتاد را منتشر می کنیم .. این اسناد نشان میدهد که امریکاییها چقدر دقیق شرایط فکری و روحی و امکانات ملت ایران رو شناخته و سنجیده اند .. اما تاریخ نشان داده که این شناخت موشکافانه بازهم نتوانسته مانع از شکست برنامه های دقیق امریکا برای شکست انقلاب ایران شود

تظاهرات ضد آمریکایی

۱۱ آبان ۵۸

معرفی سند ۵۴

موضوع: تظاهرات ضد آمریکایی

این سند مربوط است به تظاهراتی که در روز چهارم خرداد توسط دانشجویان و کارگران مسلمان به مناسبت اعتراض به گفته های یک سناتور صهیونیست آمریکایی انجام گرفت. این سناتور نسبت به اعدام انقلابی یک سرمایه دار صهیونیست توسط دادگاه انقلاب اعتراض کرده بود.

۱- از امروز ظهر جمعه اطراف سفارت آرام است. شواهدی مبنی بر تکرار تظاهرات دیروز وجود ندارد و پلیس به تعداد معمولی وجود دارد.

۲- جمعیتی که بعد از ظهر گذشته استادیوم ورزشی واقع در خیابان روزولت را ترک می کردند، شعارهای پر سر و صدایی بر ضد ما می دادند، مسئله حادی پیش نیامد.

۳- دیوارهای خارجی سفارت کامل با پلکاردهای جدید از تظاهرات دیروز پوشیده شده است. نعمت قوطی های رنگ روی سفارت مشخص است.

شعارهای مختلف ولی از یک "تم" برخوردار است.

— مرگ بر امریالیسم آمریکا و اسرائیل

— آمریکا و اسرائیل دشمنان ما هستند

— خمینی رهبر ماست، آمریکا دشمن ماست

— قراردادهای نظامی و تجاری با آمریکا باید لغو شود

— سفارت آمریکا، لانه جاسوسان تعطیل باید گردد

— مستشاران نظامی آمریکایی باید ایران را ترک گویند

— مرگ بر آمریکا، دشمن ملت های مستضعف

۴- بر روی در واقع در خیابان روزولت پرچمهای بزرگی قرار داده شده که می گویند تمام مشکلات جهان از آمریکا است. نابود باد کارتر و مرگ بر صهیونیسم، فرزند نامشروع آمریکا.

برداشتن پلکاردها، احتیاج به مذاکره و مخفی کاری دارد. دیروز در نتیجه تلاش ما برای برداشتن این پلکاردها گروهی تظاهرکننده به ما برخوردند و تهدید کردند که اگر پلکاردها را سر جایش نگذاریم، داخل سفارت می شوند. ما غرور خودمان را پوشاندیم و تصمیم داریم مقاومت کنیم.

۵- (مترجم: رادیوتلوویزیون)، ادعا می کند ۳ میلیون نفر در تظاهرات که توسط حزب جمهوری اسلامی در ۱ نوامبر در تهران برپا شده است، شرکت کردند و میلیون ها نفر دیگر در استان های دیگر، این ارقام بدون شک غلط است اما فیلمبرداری تلویزیونی جمعیت زیادی را در تهران نشان می دهد.

آیت الله منتظری که سخنران تهران بوده، به طور واضح دقیقاً بین مردم و دولت آمریکا فرق گذاشت و آمریکا را محکوم کرد.



اسنادلانه جاسوسی

سند شماره ۷

تاریخ: ۵۷/۱۱/۲۰

فوریه ۱۹۷۹ یادداشت برای مدیر محرمانه

موضوع: گزارش هفتگی - ایران - مشکل روانی و بعضی راه حل ها

این گزارش آخرین اخبار مربوط به ایران، وضع آن و اینکه چه کاری در مورد آن انجام می گیرد است.

مخصوصاً از دیدگاه ICA1 ممکن است مدتی طول بکشد تا ایران موفق شود بحران سیاسی را حل کند و

دولت درازمدت با ثبات تشکیل دهد. به هر ترتیبی که بحران فعلی حل شود مشکلات جدی در بینش

ایرانیان نسبت به آمریکا وجود دارد و این احتمال روابط بین ایران و آمریکا را تا مدتی مختل خواهد کرد.

این مشکلات توسط یک جریان اخبار ضد آمریکا به داخل و در داخل ایران تشدید می شود. گزارش زیر

مشکل را خلاصه کرده و اعمال انجام شده را مشخص می کند و پیشنهاداتی می دهد.

مشکل

خیلی از ایرانیان، در حالی که تنفر از خارجی را بروز می دهند، نفوذ آمریکا را قدرتمند و همه گیر توصیف می کنند و این یک طرز تفکر سنتی است که در حال حاضر به صورت مخلوطی از واقعیت، خیالبافی، دوراندیشی و ترس درآمده و بستگی دارد که کی صحبت می کند، از کدام دیدگاه و در چه زمانی چیزی که خیلی روشن است، ترس ایرانیان از دخالت آمریکا می باشد. در رابطه با این ترس و جریان ضد آمریکایی است که البته امکان دارد در درازمدت تنزل پیدا کند ولی روابط بین دو کشور را مختل خواهد کرد.

تفکر ضد آمریکایی در چند مسئله ریشه دارد:

۱- حمایت ما از شاه و در ادامه آن زیاده روی های دولتش.

۲- شناخت ما تحت عنوانهایی که دید منفی نسبت به آنها هست مانند مادی گرایی و غرب زدگی.

۳- چهره ما به عنوان تحمیل کننده اسلحه و فروشنده اجناس گران و غیرضروری همراه با تصویری استعماری - امپریالیستی که از حضور پیشین هزاران آمریکایی در ایران سرچشمه می گیرد. مسایل ضد آمریکایی توسط شوروی یاری و تشدید می شود. او از برنامه های رادیویی و طرفداران محلش برای دامن زدن به شعله های ضد آمریکایی استفاده می کند.

امور خاور نزدیک NEA در گروه کاری معاون وزیر نیوسام شرکت دارد. از فعالیتهایی که در حال انجام گرفتن است می توان نام برد:

برنامه رادیویی روی موج کوتاه به زبان فارسی در برنامه رادیو صدای آمریکا، مجوز دارد و برنامه در اواسط مارچ آغاز خواهد شد.

به درخواست گروه کاری، ونس (آقای وزیر) از وزیر امور خارجه دیوید اون، خواسته تا با بی بی سی میانجیگری کند، تا اجازه دهند یک ساعت از موج متوسط

(پخش استاندارد) برای پخش اخبار و نظرات راجع به ایران از یک فرستنده انگلیسی در جزیره مسیرا (سواحل عمان) استفاده کند. موج کوتاه و متوسط (اگر تصویب

شود) به ما امکانات مؤثری برای نشر اخبار دقیق در مورد نقشه ها و سیاستهای آمریکا را می دهد و این، اختلالات شوروی و مخفی دیگر را خنثی می کند.

آژانس ارتباطات بین المللی (ICA) و وزارت امور خارجه توجه بیشتری به تأمین مالی تماسهایی در سطح روشنفکران بین ایران و آمریکا می دهد و این می تواند

منشأ جریان اخبار و اطلاعات صحیح در هر دو جهت باشد. ما در حال بررسی درس هایی هستیم که از ایران آموخته ایم و با سازمانهای رسمی (مانند DOD)

خصوصی مشورت کرده تا ببینیم اقدامات درمانی در این مورد لازم هستند یا نه، مخصوصاً با توجه به حضور دخالت جویانه و به مقدار زیاد آمریکا در کشورهای

دیگر منطقه.

وزارت امور خارجه و آژانس ارتباطات بین المللی در نظر دارند، استادان آمریکایی (ایران شناسی) را به ایران بفرستند و آنها می توانند روابط مخصوصی با عناصر

محافظه کار مذهبی برقرار کنند.

آژانس ارتباطات بین المللی در زمینه هایی که رهبری جدید ایران خودش را با آنها مشخص می کند، تأکید خواهد داشت؛ یعنی فلسفه حقوق - مذهب مقایسه ای

جامعه شناسی - مشکلات تجدد - سیاست های پیشرفت کار و کشاورزی؛ تأکید بر مشترک بودن ارزشهای اصولی ما خواهد بود.

اسناد لانه جاسوسی

آمریکا سعی دارد قاطعیت و سازش ناپذیری امام را با ملاقات با او و وعده و وعید های خود درهم بشکند و بدین وسیله وضعیت خود را در ایران مشروعیت ببخشد و ذهن دیگر روحانیون را برای ملاقات آماده نماید همچنین می خواهد با ترسانیدن امام از موقعیت کمونیستها وجود خود را ثابت نماید و بگوید که می تواند نقش مؤثری در این زمینه داشته باشد. و همچنین درصدد است که منافع خود را در ارتباط با دیگر گروهها از دست ندهد و اگر در آینده آنها قدرت گرفتند ابتکار عمل را از دست ندهد.

سیاست های آمریکا در مقابل حرکت توده های میلیونی

- ۱- در بهار یک نقش فعالانه داشتیم که با تظاهرات بر علیه سنای آمریکا از بین رفت. (منظور تظاهراتی است که توده های مسلمان در سراسر ایران بر علیه سنای آمریکا در مورد محکوم کردن دادگاه های انقلاب اسلامی برپا گردید.)
 - ۲- چگونه می توانیم جو ضد آمریکایی را در ایران به نفع خود عوض کنیم. اگر چه این موضوع با روابط ایران با آمریکا بستگی دارد ما می توانیم با تأکید بر روی حقوق بشر و تأیید انقلاب آن را تعدیل کنیم.
 - ۳- آژانس ارتباطات (ICA) بین المللی آمریکا بیشترین سعی خود را برای هر چه بهتر شدن پیوند ایران و آمریکا گسترش دهد.
 - ۴- ایجاد میتینگ به نفع روابط ایران و آمریکا.
 - ۵- ایرانیها با وجود تکذیب های مکرر، عمیقاً ظنین هستند که ما در رابطه با شاه، اسرائیل، عربستان و عراق و حتی کمونیستها بر ضد آنها مشغول نقشه کشی هستیم.
 - ۶- چون ایرانیها در مورد ما لفظ امپریالیست و صهیونیست به کار می گیرند ما نمی توانیم با خیلی از آنها راجع به این حرفها صحبت عمیق بکنیم (مسئله اعدام ها و حقوق بشر) بلکه با توجه به منافع ما و حاد نشدن روابط با ایران ما باید روابطمان را با ایران محدود کنیم.
 - ۷- ما با استفاده از مسئله اعراب و اسرائیل می توانیم روی افکار ایرانی ها مؤثر واقع شویم و با مطرح کردن نفوذ فلسطینی ها در وقایع جنوب و مناطق نفت خیز این مسئله را عملی کنیم ولی هنوز از رهبران مذهبی، روابط نزدیکی با سازمان آزادی بخش فلسطین دارند.
 - ۸- برای مثال فرستادن افراد مهم برای ملاقات با افراد مذهبی و غیر مذهبی و همچنین به کار بردن VOA (صدای آمریکا) که پیامهای سیاسی را بدهد و زبان انگلیسی بیشتر یاد داده شود و مجله منتشر گردد.
- (از ساندرز به نیوسام شهریور ۵۸، محرمانه)

سند شماره ۵ (صفحه ۲۰۰)

- از: سفارت آمریکا در تهران طبقه بندی: سری
به: وزیر امور خارجه - واشنگتن حق تقدم گزارشگر: ناس
موضوع: مصاحبه رادیو صدای آمریکا / ۱۳۵۸
- ۱- تمام متن سری است پیام گزارشی می باشد.
 - ۲- در کلیه تماسهای اخیرم، مقامات دولتی به طور جدی، شکایاتی در مورد شیوه انتقادی که رسانه های گروهی غربی و مخصوصاً آمریکایی در برابر دولت انقلابی پیش گرفته اند، مطرح کردند.
افرادی که فعلاً سوار بر زین هستند، کم از پیشینیان نیستند و خیلی حساس می باشند، لذا ممکن است، آنها توطئه ای ببینند از جانب دولت آمریکا، صهیونیسم و غیره. همچنین پیام های روزانه ما در حمایت از بختیارد ژانویه و سکوت رسمی ما (که من شدیداً از آن حمایت می کنم) در مورد دولت بازرگان طی چند هفته گذشته، را به یاد ما می آورند؛ البته هیچ علایجی برای بدبینی ایرانی ها وجود ندارد ولی من معتقدم که ما باید کوشش هایی را در نظر بگیریم که آمریکا دید مثبت تری نسبت به دولت ارائه دهد.
 - ۳- مأمور سیاسی سفارت به من گفت، هنگامی که در اواخر مارس در واشنگتن بود، رادیو صدای آمریکا قرار بود از طریق یک مصاحبه در مورد ایران با شما تماس حاصل کند. این به نظر من برنامه عالی است و من امیدوارم بتوانید کار را به زودی به دست بگیرید. شما در این کار خبره هستید و می توانید در مورد موضوعاتی مانند عادی شدن روابط، پیوستگی های تاریخی، منافع مشترک، دینامیسم تغییرات اجتماعی و غیره صحبت کنید البته بدون نزدیکی بیش از حد به دولت که این یا به ضرر آن و یا به ضرر خودمان خواهد شد.

پایگاه‌های شنود

باغ شخصی شاه، پایگاه جاسوسی آمریکا پایگاه‌های شنود و استراق سمع سیا در ایران (۱۳۳۴-۱۳۵۷)

مهمترین دلیل گسترش فعالیت و حضور سیا در ایران رقابت و مبارزه اطلاعاتی - جاسوسی با شوروی و کا.گ.ب بود. آمریکا می‌دانست که مرزهای شمالی ایران در مجاورت مرزهای جنوبی شوروی برای فعالیت‌های جاسوسی بر ضد شوروی موقعیت کم‌نظیری ایجاد کرده است. به همین دلیل از همان سال‌های نخست پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، سیا به سرعت به کار نصب و راه‌اندازی دستگاه‌های عظیم و مدرن جاسوسی - اطلاعاتی و استراق سمع در نقاطی از قلمرو شمالی ایران اقدام کرد تا علاوه بر کنترل فعالیت‌های جاسوسی شوروی از مجموعه فعالیت‌های تکنولوژیکی، نظامی، موشکی و آن کشور اطلاع یابد.

سال ۱۳۳۴، ش آمریکا نخستین دستگاه‌های جدید جاسوسی - استراق سمع خود را در برخی نقاط شمالی ایران مستقر کرد. در این ایستگاه‌های استراق سمع و جاسوسی، دستگاه‌های پیشرفته‌ای نصب شده بود که گفته می‌شد کارایی آن برای قرن ۲۱م هم پیش‌بینی شده بود.

با تأسیس پایگاه‌های جاسوسی و استراق سمع سیا در مناطق شمالی ایران، فعالیت‌های سیا در ایران گسترش یافت و مأموران سیا وارد ایران شدند. برخی گزارشات حاکی است که ایران بیشترین مأموران و جاسوسان سیا را در خود جای داده بود. در همان حال ایران استراتژیک‌ترین منطقه‌ای محسوب می‌شد که آمریکا و سیا برای کنترل امور اطلاعاتی - جاسوسی شوروی در سراسر جهان در اختیار داشت. مهم‌ترین پایگاه‌های جاسوسی سیا در شمال ایران در صفی‌آباد بهشهر، کبکان خراسان و پارس‌آباد مغان قرار داشت که مجهز به پیشرفته‌ترین تجهیزات و دستگاه‌های اطلاعاتی - جاسوسی آن روزگار بود

سپهبد هاشم برنجیان که پس از انقلاب محاکمه شد درباره پایگاه جاسوسی سیا در صفی‌آباد بهشهر چنین گفته است: ...از زمان درست شدن پایگاه‌های جاسوسی بهشهر و بعد از چند سال کبکان، در آن سال فرمانده نیروی هوایی پیش من آمد و گفت شاه، باغ شخصی خود را در صفی‌آباد بهشهر به «سیا» داده و رئیس پرسنلی را صدا کرد و این وضع را به اطلاع آنها رسانید او گفت: آنها ضمن آنکه کارهای خود را می‌کنند نیروی هوایی هر سال عده‌ای در حدود ۲۵۰ نفر دانشجو به آنها معرفی می‌کند و من هم

افراد مورد اعتماد را برای حفاظت آنها به بهشهر می‌فرستم. کارهایی که من در این مدت کرده‌ام، یا فرستادن کارگر و پرسنل بود و یا مسائل خدماتی و حفاظتی، کارهایی که آنها انجام می‌دادند مربوط به خودشان بود ولی مسلماً آنها از شاه اجازه گرفته



بودند زیرا زمین پایگاه ملک اختصاصی شاه بود و ارتباطی به نیروی هوایی نداشت. آنچه مسلم است آمریکاییها در بهشهر و کبکان پایگاه‌هایی داشته‌اند که این پایگاه‌ها آن قدر عظیم بود که از دوازده کیلومتری دیده می‌شد و طبیعی است اینچنین خبرگیری مربوط به داخل نبود و هر کس اهل حرفه می‌دانست که برای داخل نبوده است.

ویلیام سولیوان در خاطرات خود نصب دستگاه‌های جاسوسی در شمال ایران را از موفقیت‌های وصف‌ناپذیر سیا و آمریکا در ایران ارزیابی می‌کند که به آنها امکان می‌داد فعالیت‌های جاسوسی - استراتژیک و نظامی و موشکی شوروی را در عمق خاک گسترده آن کشور تحت کنترل و مراقبت قرار داده و اطلاعات لازم را کسب نمایند علاوه بر تجهیزات جاسوسی و راداری سیا در شمال کشور، در برخی نقاط حساس و استراتژیک جنوب ایران نیز تجهیزات استراق سمع و جاسوسی نصب شده بود که مهم‌ترین آن در چابهار و بندرعباس قرار داشت.

مایکل لدین از اعضای برجسته سفارت آمریکا در تهران که عمده وظایفش در رابطه با فعالیت سیا در ایران بود، یکی از دلایل عمده عدم نصب دستگاه‌های استراق سمع و جاسوسی آمریکا در نقاط بیشتری از ایران را ترس از تهییج بیشتر احساسات ضدآمریکایی مردم ایران می‌داند.

رادارهای جاسوسی - اطلاعاتی سیا در ایران توسط اداره کل چهارم ساواک حفاظت و مراقبت می‌شد و این بخش از تعهدات ساواک در قبال فعالیت‌های سیا در ایران بود. در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی برخی نشریات نوشتند که مرکز جاسوسی سیا در ایران که در فرودگاه مهرآباد تهران مستقر بود (و به مک‌آفیس معروف است) کشف شده است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی درباره پایگاه‌های جاسوسی سیا در ایران اظهارنظرها و اخبار مختلفی منتشر شد. خبرگزاری فرانسه در ۱۲ اسفند ۱۳۵۷ گزارش داد: آمریکایی‌ها با از دست دادن کنترل ایستگاه استراق سمع آن کشور در شمال ایران با شکست بزرگی مواجه شده‌اند منابع آمریکایی تأیید کردند ۲۰ کارشناس آمریکایی قبل از آنکه این ایستگاه را با یک هواپیمای ارتش ایران به تهران ترک کنند تجهیزات الکترونیکی ۵۰۰ میلیون دلاری آن را منهدم کرده‌اند... کارشناسان آمریکایی از این ایستگاه که در شصت کیلومتری مرزهای شوروی قرار داشت برای ضبط علائم رادیویی مرکز فضایی شوروی در «بایکونور» استفاده می‌کردند. از بین رفتن این دو دستگاه استراق سمع، سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا در ردگیری موشک‌های شوروی با مشکل بزرگی روبه رو خواهد شد.

پس از پیروزی انقلاب، دولت موقت تلاشی برای شناسایی و کنترل پایگاه‌های جاسوسی سیا در بخش‌های مختلف کشور آغاز کرد. در همان حال اخباری وجود داشت که حاکی از ادامه فعالیت جاسوسی پایگاه‌های استراق سمع و جاسوسی سیا در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی بود. از جمله: «روزنامه هرالد تریبون چاپ پاریس گزارش داد با اینکه کارشناسان آمریکایی پایگاه‌های جاسوسی آمریکا را در بهشهر ترک کرده‌اند دستگاه‌ها طوری تنظیم شده‌اند که کار جاسوسی آمریکاییها در این پایگاه همچنان ادامه دارد... پایگاه بهشهر یکی از هفت پایگاه جاسوسی آمریکا در نزدیکی مرز ایران و شوروی است و مأموریت آن ردیابی پرتاب موشک‌های شوروی است... تمام محوطه پایگاه پس از خروج آمریکاییان به دست افراد مسلح کمیته امام افتاد...

پس از پیروزی انقلاب اسلامی پایگاه‌های جاسوسی سیا در ایران محکوم به تعطیلی بود و این مهم طی دوسه ماه نخست پیروزی انقلاب اسلامی به تحقق پیوست.

گویا در همان زمان آمریکا در ازای نصب دستگاه‌های استراق سمع در ترکیه پیشنهاد پرداخت یک صد میلیون دلار کمک نقدی به مقامات آن کشور کرده بود. در همان حال اعلام شد سیا پس از پیروزی انقلاب اسلامی پایگاه‌های جاسوسی خود را بر ضد شوروی در قبرس مستقر خواهد کرد و در این باره با مقامات بریتانیایی هم که در قبرس نفوذ داشتند به توافق رسیده‌اند.

«مظفر شاهدی»

موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

جنايات آمريكا





رابطه با آمریکا از منظر رهبر معظم انقلاب

دلیل خواست آمریکا برای مذاکره چیست؟

" حال غذای، ساده‌لوحانه، این گوشه و آن گوشه می‌نشینند، حرفی و یقی می‌زنند. قلم روی کاغذ می‌آورند که: «چرا با امریکاییها مذاکره نمی‌کنید؟ تا کی می‌خواهید این وضع ادامه داشته باشد؟» آیا اینها نمی‌فهمند در دنیا چه خبر است؟ نمی‌فهمند که توقع این دشمن افزون‌خواه مغرور کم‌خرد و بی‌حکمت چیست؟ تصور می‌کنند همین قدر که ما مذاکرات و روابطمان را با امریکا شروع کردیم، همه‌ی مشکلات تمام خواهد شد؟ نه آقا، قضیه این نیست. آری؛ امریکاییها در اظهارات رسمی می‌گویند و اظهار می‌کنند که ما آماده‌ی مذاکره با ایرانیم. مذاکره برای چه؟ معلوم است؛ مذاکره برای این که راهی و مجرای برای فشار آوردن روی دولت ایران پیدا شود. مذاکره را برای این می‌خواهند. چه مذاکره‌ای؟! ما با شما کاری نداریم، احتیاجی به شما نداریم، ترسی از شما نداریم، هیچ محبتی به شما نداریم. شما کسانی هستید که در روز روشن، جلو چشم همه‌ی مردم دنیا، هواپیمای مسافربری ما را به پهنای دروغ و واهی، سرتگون کردید و دهها نفر انسان را کشتید و حتی عذرخواهی هم نکردید."

بیانات مقام معظم رهبری در آستانه سالروز تسخیر لانه جاسوسی امریکا و روز ملی مبارزه با استکبار ۱۳۷۳/۸/۱۱

مذاکره هیچ تاثیری ندارد

" رابطه و مذاکره با دولت امریکا، به حال ملت ایران هیچ فایده‌ای ندارد. امروز از چیزهای جالب این است که دستهای امریکایی و تبلیغات امریکایی - همان طوری که در هفته‌ی اول این ماه عرض کردم - در دنیا این گونه شایع می‌کنند که ملت ایران مشکلاتی دارد؛ راه حل و کلید این مشکلات هم این است که بیاید با امریکا مذاکره کند! تو گفتی و من باور کردم! مذاکره، هیچ فایده‌ی قابل ذکری برای ملت ایران ندارد. البته ضررهایی دارد که بعد عرض می‌کنم؛ اما اصلاً فایده ندارد.

خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۶/۱۰/۲۶

مذاکره برای دولت امریکا مفید است

" مذاکره با امریکا، البته برای دولت امریکا مفید است. با مذاکره، او جای پای پیدا می‌کند تا بتواند خواسته‌های خود را بیشتر تحمیل کند و توقعات خود را انبوهتر بر سر این ملت و دولت بریزد. مذاکره موجب می‌شود که دولت امریکا بتواند همین تهدیدهایی را که الان از دور می‌کند، همین توقعات بیجا و قلدرانه‌ای را که در مصاحبه‌ها و سخنرانیها می‌گوید، پشت میز مذاکره، با حجم بیشتر و با قدرت چانه‌زنی بیشتر، بر سر مسوولان کشور ما بریزد.

بیانات در دیدار جمع کثیری از کارگران و معلمان به مناسبت روز کارگر و هفته معلم ۱۳۸۱/۲/۱۱

معنای مذاکره برای آمریکا

" ما از اول اعلان کردیم و الان هم اعلان می‌کنیم، در هیچ یک از مسائل مورد اختلاف خودمان با امریکا، ما با امریکا مذاکره نمی‌کنیم. دلیل آن هم یک امر واضحی است؛ دلیل این است که مذاکره برای امریکایی‌ها یک ابزاری است برای تحمیل خواسته‌های خودشان به طرف مذاکره. مذاکره مفهوم واقعی خودش را در مذاکرات امریکا با طرفهای خودش ندارد و از دست داده است. مذاکره برای چیست؟ وقتی دو دوست در یک مسئله‌ی مورد اختلاف با هم مذاکره می‌کنند، این برای این است که هر کدام از نقطه‌ای که قرار دارند، حرکت کنند و به یک نقطه‌ی مورد توافق برسند. امریکا مذاکره را به این معنا نمی‌داند. آنها مذاکره را وسیله‌ای برای تحمیل خواسته‌های خودشان قرار می‌دهند؛ برای وارد آوردن فشار. بنابراین مذاکره با امریکا در همه‌ی مسائل معنا ندارد."

بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۸۵/۱۰/۰۷

از دهان گرگ طعمه را با قدرت می‌گیرند

" از دهان گرگ طعمه را با مذاکره نمیشود گرفت؛ با قدرت باید گرفت. هزار و صد سال است که در ادبیات کشور ما:

"مپتری گر به کام شیر در است / رو خطر کن ز کام شیر بجوی" را گفته‌اند. گاهی هم عمل شده در تاریخ ما، بسیاری از اوقات هم عمل نشده. امروز ملت ایران دارد با ایستادگی خود به این توصیه عمل میکند؛ «رو خطر کن». این است مسئله‌ی ما. مسئله‌ی ما با امریکا و مسئله‌ی ما با مستکبرین عالم این است. آنها می‌گویند شما وجودتان، استعدادتان، قدرتان را به صحنه نیاورید که در مقابل قدرت ما، سلاح ما، تواناییهای تبلیغاتی ما رقیبی وجود نداشته باشد، ما بتوانیم یک‌تازی کنیم در میدان. جواب ملت ما این است که: نخیر، ما میتوانیم از حق خودمان دفاع کنیم؛ میتوانیم جلو تجاوز شما را بگیریم؛ اگر نکنیم، خدا از ما مواخذه خواهد کرد."

بیانات در دیدار مردم تبریز ۱۳۸۶/۱۱/۲۸

اولین کسی که بگوید رابطه ایجاد کنید، من هستم

" یکی از سیاستهای اساسی مان قطع رابطه‌ی با امریکاست. هرگز هم نگفتم ما تا ابد قطع رابطه خواهیم بود؛ نه، هیچ دلیلی ندارد که تا ابد قطع رابطه با هر کشوری، با هر دولتی داشته باشیم. مسئله این است که شرایط این دولت به گونه‌ای است که رابطه‌ی با او برای ما ضرر دارد. انسان رابطه را با هر کشوری به دنبال تعریف یک منفعتی ایجاد میکند؛ آنجائی که برای ما منفعت ندارد، دنبال رابطه نمیرویم؛ حالا اگر ضرر داشت، به طریق اولی دنبال رابطه نمیرویم.

مینشینند آقایان و راجی کردن و حرف زدن و استدلال کردن، که نبود رابطه‌ی با امریکا برای ما مضر است. نه آقا! نبود رابطه‌ی با امریکا برای ما مفید است. آن روزی که رابطه‌ی با امریکا مفید باشد، اول کسی که بگوید رابطه را ایجاد بکنند، خود بنده هستیم.

بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه‌های استان یزد ۱۳۸۶/۱۰/۱۳

ما همیشه این پیشنهاد را رد کرده ایم

" اما در قضیه‌ی مذاکره که این را زودتر از همه بگوئیم؛ بد نیست که حرف مذاکره می‌زنند. این پیشنهاد البته جدید نیست. از قبل هم دولتهای امریکا به ما پیشنهاد میدادند برای مذاکره؛ ما هم همیشه این پیشنهاد را رد کرده‌ایم. البته دلائلی وجود دارد، اما یک دلیل واضح این است که مذاکره‌ی در سایه‌ی تهدید و فشار، مذاکره نیست. یک طرف مثل ابرقدرتها خواهد تهدید بکند و فشاری بیاورد و تحریمی بکند و یک دست آهنی‌ای را نشان بدهد و از آن طرف هم بگوید خیلی خوب، بنشینیم پشت میز مذاکره! این مذاکره، مذاکره نیست. اینجور مذاکره‌ای را ما با هیچ کس نمیکنیم. لذا امریکا همیشه با این چهره برای مذاکره وارد میدان شده است."

بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۹/۰۵/۲۷

هرگاه لبخند زدند، خنجری پشت سرشان مخفی کردند

" هر وقت که لبخندی به روی مسئولین جمهوری اسلامی زدند، وقتی دقت کردیم، دیدیم خنجری در پشت سرشان مخفی کرده‌اند؛ از تهدید دست برنداشته‌اند؛ نیتشان عوض نشده است. خنده‌ی تاکتیکی، لبخند و روی خوش تاکتیکی، فقط بجهها و کودکان را فریب میدهد. یک ملت بزرگ با این تجربه، و مسئولین برگزیده‌ی یک چنین ملتی، اگر فریب بخورند، خیلی باید ساده‌لوح باشند؛ یا باید ساده‌لوح باشند، یا باید غرق در هوی و هوس باشند؛ دنبال زندگی راحت و خوش و همراه با عافیت باشند؛ بخواهند با دشمن بسازند. و آلا اگر مسئولین کشور باهوش باشند، دقیق باشند، مجرب باشند، پخته باشند، دل در گرو منافع ملت با همه‌ی وجود داشته باشند، گول لبخند را نمیخورند.

بیانات در دیدار دانش‌آموزان در آستانه ۱۳ آبان ۱۳۸۸/۰۸/۱۲

با ملت ایران اینطور نمی‌شود حرف زد

تا وقتی دولت امریکا روش خود را عمل خود را، چپ‌گیری خود را، سیاستهای خود را، مثل این سی سال علیه ما ادامه دهد، ما همان آدم سی سال قبل، همان ملت این سی سال هستیم. ملت ما از اینکه باز هم شما شعار بدهید که «مذاکره و فشار»، ما با ایران مذاکره میکنیم، در عین حال فشار هم وارد می‌آوریم - هم تهدید، هم تطمیع - بدش می‌آید. اینجور با ملت ما نمیشود حرف زد."

بیانات در جمع زائران و مجاوران حضرت امام رضا ۱۳۸۸/۱۰/۰۷

جنايات آمريكا



کلیپ تصویری



بازدید رهبر معظم انقلاب از بازداشت شدگان
لانه جاسوسی آمریکا
<http://www.afsaran.ir/link/407038>
amir1371



کلیپ:
سیاهه جنایات آمریکا
<http://farsi.khamenei.ir>
amir1371



کلیپ:
صداقت آمریکایی از منظر امام خامنه ای
<http://www.afsaran.ir/link/409369>
roohalah



استاد پناهیان : نگرانی امام (ره) جایگزینی
«اسلام آمریکایی» به جای «اسلام ناب» بود
<http://www.afsaran.ir/link/409368>
roohalah



مذاکره با آمریکا
بیرمردی که بیشتر از برخی خواص میدانند
<http://www.afsaran.ir/link/410070>
roohalah

کلیپ صوتی



ترانه: مرگ بر آمریکا
با صدای حامد زمانی
<http://www.afsaran.ir/link/410465>



سوال یک دانشجو از دکتر عباسی
اگر آمریکا امتیاز نمیدهد پس چرا مذاکره کنیم؟
<http://www.afsaran.ir/link/409366>

شماره کفش لیونل مسی، قد، وزن، مدت قرارداد؟!
راستی مهرداد عزیزاللهی که بود؟
<http://www.afsaran.ir/link/408038>



مستند صوتی تجربه مذاکره
میز مذاکره
<http://www.afsaran.ir/link/409096>



چرا نگوییم مرگ بر آمریکا؟
سخنان رهبر انقلاب
<http://www.afsaran.ir/link/406425>



پادکست:
جنگ، جنگ تا رفع فتنه از کل جهان
<http://www.teribon.ir/archives/232724>

حصاری حاصل، نگاهی به ۳۰ سال تحریم آمریکا علیه ایران

در سال ۱۳۵۹ دولت آمریکا پس از آنکه تمامی راه‌های سیاسی و نظامی ممکن برای واداشتن ایران به آزادسازی جاسوسانش در تهران را تجربه کرد، حربه تازه‌ای به نام محاصره اقتصادی را علیه جمهوری اسلامی ایران به کار گرفت و در روز اول خرداد ۱۳۵۹ رسماً آغاز حصر اقتصادی علیه ایران را اعلام نمود. این حصر همچنان پس از گذشت بیش از ۳۰ سال ادامه دارد.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۵۷ تاکنون بیش از ۳۲ سال سپری شده و در این بین ایالات متحده تنها در حدفاصل پیروزی انقلاب تا ۱۳ آبان ۵۸ (تسخیر لانه جاسوسی) یعنی کمتر از یک سال ایران را تحریم نکرده و پس از آن به انحاء مختلف آمریکا تحریم علیه ایران را گسترش و ادامه داده است. به معنای دیگر ملت ایران حدود سه دهه است که توسط آمریکا و برخی از همپیمانانش مورد تحریم و محاصره اقتصادی واقع شده است. واقع‌بینی یا عقلانیت سیاسی می‌گوید اگر سیاستی ۳۰ سال ادامه یابد اما نتیجه‌ای حاصل نشود نشان دهنده شکست آن سیاست است، شکستی که ایالات متحده و متحدان غربی‌اش حاضر به پذیرش آن نیستند. به بیان دیگر، این تحریم‌ها، آرزوی واضعان آن را بر آورده نکرده است.

تقویم تحریم‌های آمریکا علیه ایران را می‌توان در شش دوره کلی سنجید:

مقطع اول دوره اشغال لانه جاسوسی (از ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۱)

مقطع دوم دوران دفاع مقدس (از ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۸)

مقطع سوم دوران سازندگی (از ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۲)

مقطع چهارم دوره کلیتون و اعلام استراتژی مهار دوجانبه (از ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۱)

مقطع پنجم پس از واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱

و مقطع ششم آغاز قطعنامه‌های شورای امنیت از سال ۲۰۰۶ تاکنون.

به‌رغم آنکه تحریم‌ها در این ادوار هر بار به شکل تازه‌ای مطرح و اعمال شده ولی نتوانسته به اهداف خود (از سرنگونی نظام گرفته تا دست برداشتن از برنامه‌های هسته‌ای) دست یابد. از جنگ جهانی دوم به این سو، به‌ویژه پس از دهه ۷۰ میلادی ضریب موفقیت تحریم‌ها به عنوان یک حربه برای مجازات کشورها کاهش یافته و این کاهش در دوران جدید نمود بیشتری یافته است.

در فاصله جنگ جهانی اول تا سال ۱۹۹۰ یعنی در طول نزدیک به ۷۵ سال در مجموع ۱۱۵ تحریم اقتصادی علیه کشورهای مختلف تصویب و به اجرا گذاشته شد، که به طور متوسط برابر است با ۱/۵ تحریم در سال.

اما از سال ۱۹۹۰ تعداد تحریم‌های اقتصادی به شدت افزایش یافته است. برای مثال در فاصله ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۹ کشورهای جهان ۶۶ تحریم اقتصادی را تجربه کردند. به عبارت دیگر، میانگین سالانه تعداد تحریم‌ها نزدیک به پنج برابر شد. یعنی از ۱/۵ تحریم در سال، در دوره ۱۹۱۸ تا ۱۹۹۰ به ۶/۶ تحریم در سال طی دوره ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۹ افزایش یافت.

اتفاقاً یکی از علل کاهش میزان توفیق تحریم‌ها در جهان معاصر نیز همین افزایش تحریم‌هاست. زیرا وقتی گستره تحریم‌ها وسیع می‌شود و کشورهای متعددی را در بر می‌گیرد، ساختارهای متناسب با آن نیز در نظام اقتصاد رسمی و غیر رسمی بین‌المللی شکل می‌گیرد و تلاشی همه جانبه از سوی کشورها برای یافتن راه‌های مختلف مقابله با آثار و نتایج تحریم‌ها آغاز می‌شود.

به باور بسیاری از کارشناسان دلیل اصلی این افزایش خیره‌کننده را باید در فروپاشی اتحاد شوروی، پایان جنگ سرد و یکه‌تازی ایالات متحده دانست. دولت ایالات متحده همواره بزرگ‌ترین سهم را در کاربرد سیاست تحریم اقتصادی داشته است. به‌طوری که در دوره ۱۹۱۸ تا ۱۹۹۰ دولت آمریکا مسئول ۷۷ مورد از کل ۱۱۵ تحریم اقتصادی جهان، یعنی ۶۷ درصد کل تحریم‌ها بود، اما در دوره ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۹ سهم آمریکا در کل تحریم‌های اقتصادی جهان به ۹۲ درصد افزایش یافت.

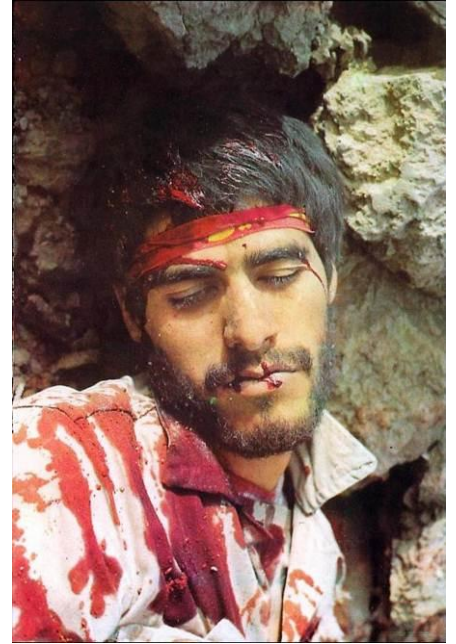
تنها در دوره اول ریاست جمهوری کلیتون، دولت آمریکا ۶۱ تحریم اقتصادی (جزئی یا کلی) را علیه ۳۵ کشور جهان با جمعیتی بالغ بر ۲/۳ میلیارد نفر یعنی حدود ۴۲ درصد کل جمعیت جهان به اجرا گذاشت. بخشی از این تحریم‌های ایالات متحده در طول ۳۰ سال گذشته همواره مربوط ملت ایران بوده به‌طوری که از ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ یعنی ۱۰ روز پس از اشغال لانه جاسوسی در تهران، جیمی کارتر طی بخشنامه ۱۲۱۷۰ دستور ضبط ۱۲ میلیارد دلار دارایی‌های ملت ایران در آمریکا و تحریم تمامی واردات از ایران را صادر کرد.

چند ماه بعد در آوریل ۱۹۸۰ کارتر تمامی مبادلات تجاری و مسافرت به ایران را ممنوع کرد؛ قانون شرایط اضطراری ملی نیز در دولت کلیتون و در ۱۵ مارس سال ۱۹۹۵ به تصویب رسید که طی آن بر دامنه تحریم‌های ایران افزوده شد و این روند در طول سی و چند سال گذشته با ۳۴ دستورالعمل مشابه دیگر دولت‌های آمریکا ادامه یا گسترش یافته است.

بدون شک همه آنچه دولت ایالات متحده در طول این سال‌ها علیه ایران انجام داده تمام آن چیزی بوده که می‌توانسته انجام دهد و اگر توان افزایش بیشتر فشارها را داشت قطعاً فروگذار نمی‌کرد. اما اگر این تحریم‌ها در سه دهه و ۶ مقطع گذشته آمال آمریکا و هم پیمانانش را برآورده ساخته، این بار هم بر آورده خواهد ساخت.

«موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی»

جنايات آمريكا



آنها می خواهند نور خدا را با دهن خویش خاموش سازند، لیکن
پروردگار نور خود را کامل می سازد، هر چند کافران خوش نداشته
باشند.

انروز همسته امیر

روشنفکران! ظلم را تعریف کنید

لَا يُجِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا - نساء ۱۴۸



۱. تحریک مخالفین جمهوری اسلامی و کمک به حرکت های تجزیه طلب و تروریستی
 ۲. کودتای نوژه
 ۳. لشکرکشی و حمله به ایران در واقعه طیس و حمله به سکوی نفتی ایران در خلیج فارس
 ۴. ایجاد وحشت از ایران، اسلام، و حکومت اسلامی با ابزارهای گوناگون مانند هالیوود
 ۵. تصرف و حبس دارایی ها و اجناس ایران
 ۶. چراغ سبز به صدام برای حمله به ایران و پشتیبانی همه جانبه از آن رژیم در طول جنگ
 ۷. ساقط کردن هواپیمای مسافربری ایران و تقدیر از فرمانده ناو وینسنس
 ۸. حمایت از گروهک های تروریستی شرور به ویژه در نقاط مرزی ایران، عراق و پاکستان
 ۹. اهانتهای دائمی به ملت، دولت و رئیس جمهور ایران
 ۱۰. ایجاد ناامنی و فراهم کردن سیل سلاح ها به منطقه خاورمیانه
 ۱۱. تهدید مستمر ملت ایران به حمله نظامی
- « این تهدید نظامی به ضرر آمریکاست، خود جنگ نظامی ده برابر به ضرر آمریکاست. »
۱۲. سی سال تحریم ظالمانه علیه ملت ایران
 ۱۳. اعلام حمایت رسمی از اغتشاشات در سالهای ۷۸ و ۸۲ و فتنه ۸۸
 ۱۴. تهاجم فرهنگی و جنگ نرم علیه ملت ایران
 ۱۵. ترور دانشمندان هسته ای در ایران با همکاری موساد

الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا « نساء ۷۶ »

آنان که ایمان آورده اند ، در راه خدا می جنگند ، و آنان که کافر شده اند در راه شیطان پس با هواداران شیطان قتال کنید که مکر شیطان ناچیز است

خیال نکنند این حرف ، حرف یک نفر یا جمعی است!
بی عقلها می گویند ما می خواهیم ، کاری کنیم برای اینکه با فلانی « با علی ، علی خامنه ای » با او می خواهیم مبارزه کنیم. این هم خطایی دیگر است. این هم اشتباهی دیگر در تحلیل است. خیال می کنند که این حرفها حرفهای یک نفر آدم است نه !
امروز همه در ایران همین را می گویند....

ضد

گاهی درک ارزش حقیقی یک مفهوم، تنها با چشیدن طعم «ضد» آن است که ممکن می شود...

هرچند، «گذشته» پر است از تجربه ی «ضدها» برای درک حقیقت ابرواژه های انقلابی، اما مثل این که هنوز هم کافی نیست! شاید هنوز هم برای خوب «رفتن»، طعم تلخ «ایستایی» را باید چشید، تا «بهرتر» رفت.

...

لازم است که بگوییم قصد از نگارش این نوشتار، به هیچ وجه برچسب زدن به افراد مختلف با عناوین گوناگون نیست که ما خود، سال هاست بار برچسب های مختلف را به دوش کشیده ایم، بدون این که کوچکترین نسبتی با صفاتی که به آن ها منسوب می شدیم، داشته باشیم.

علاوه بر آن، قصد نداریم طوری سخن بگوییم که گویی هر گونه مذاکره و گفتگو با مقامات کشوری که آن را سال ها با نام دشمن شناخته ایم و می شناسیم، یعنی این که کار تمام شد و همه چیز را فروختیم و الخ... صد البته که چنین اجازه ای برای هیچ یک از مقامات مسوول «سرزمین شهدا» وجود ندارد.

اصلاً ما بدمان هم نمی آید که مشکلات ایران و آمریکا به طور مسالمت آمیز و از طریق مذاکره و گفتگو حل شود! اما یک نکته وجود دارد. کدام مذاکره؟ و کدام گفتگو؟ سوال ما این است که برای مثال، دستاورد گفتگوی تلفنی اوباما و روحانی چه بوده است؟ البته بدیهی است که دشمنی چندین و چند ساله ی دو کشور را نمی توان با یک تماس ساده حل کرد اما بالاخره شکستن تلفنی این تابو، همان طور که برای ایالات متحده ثمربخش بوده و موجب استفاده ی رسانه ای فراوان و "فروختن ژست ابرقدرتی بیشتر به دنیا" شده است، می بایست برای ایران هم ثمری می داشت حداقل!

چه دادیم و چه گرفتیم؟ و مهم تر از همه چه شده است که بعد از این دیپلماسی به اصطلاح فعال آقایان، روزی نیست که شاهد سخنان وقیحانه ی مقامات آمریکایی و غربی نباشیم؟ که شرم آورترین آن ها هم، همین افاضاتی است که جناب پرزیدنت اوباما در دیدار با نتانیاهو، نخست وزیر رژیم صهیونیستی، درباره ی ایران، قلب محور مقاومت، ایراد فرمودند.

اما... یاکی نیست! چون ما معتقدیم که گاهی درک ارزش حقیقی یک مفهوم، تنها با چشیدن طعم ضد آن است که ممکن می شود...

در واپسین روزهای دولت هشتم در سال ۸۴، وقتی ترسی نداشتیم از این که بر سر حقوق حقّه خود در مسئله ی هسته ای معامله کنیم و به همان قول معروف در غلتان می دادیم و آب نبات می گرفتیم، شاید تصور وضعیت برگشت ناپذیری که امروز در آن به سر می بریم برای برخی آقایان غیر ممکن بود. همان روزهایی که از ترس چماق دار بزرگ، آمریکا، هویج های پوسیده ی سه کشور اروپایی را بی چون و چرا می پذیرفتیم، البته این ها تجربه شد برای این که بفهمیم راه مقاومت را باید برگزید.

البته این روزها وقتی تحلیل های برخی سایت های وابسته به برخی جریانات خاص را در رابطه با موضوع هسته ای و گذشته و حال و آینده اش می خوانیم، فصل مشترک همه ی آن ها را در این جمله می یابیم که: «در مذاکرات هسته ای شش سال گذشته هیچ گونه پیشرفتی مشاهده نشده است!» و حتی فراتر از آن بالکل، سیاست خارجی دوره ی قبل را مترادف با جاده ای منتهی به انزوا و فلاکت ترجمه می کنند! این جاست که در ذهن این دانشجوی حقیر سوالاتی مطرح می شود!

از نظر شخص دکتر روحانی(و نه لزوماً از نظر ما) ایشان در آن برهه ی حساس که مسوولیت مذاکرات هسته ای را بر عهده داشتند، کشور را از خطر حتمی جنگ نجات داده اند. حال سوال این جاست که اکنون، پس از گذشت هشت سال، همان کشوری که شما مدعی هستید قصد حمله ی حتمی به ایران را داشت، چگونه به این جا رسیده است که پرتکرارترین عبارت سیاست خارجی اش شده است "مذاکره" با ایران؟ تا آن جا که هر گاه دم از گزینه ی نظامی علیه ایران می زند، خود بهتر از همگان می داند که این گزینه، هرگز به این سادگی ها «تیک» نخواهد خورد!

به هر حال شما آزادید که هر برداشتی که می خواهید داشته باشید، اما حرف ما این است که آن چه آمریکا، این چماق دار بزرگ قرن را مجبور به اتخاذ چنین رویکردی کرده است، «مقاومت جمهوری اسلامی ایران» است. و این مقاومت هرگز با هوسی دیپلماتیک برای دقایقی گفتگوی تلفنی با دشمنی که گویی بهتر از ما معنای «نرمش قهرمانانه» را فهمیده است و برعکس برخی حضرات ما، در دشمن بودن خود با ما «شک» ندارد، به پایان نخواهد رسید. فقط کافیسست لبخندی در عرصه دیپلماسی به «هرز» رود تا نتیجه اش بشود افاضات قطاری مقامات آمریکایی و غربی در مورد «جمهوری اسلامی ایران». از اوباما گرفته تا کری، از اشتون گرفته تا شرم! هر یک به نوعی پاسخ لبخند(و شاید چیزی فراتر از لبخند)های دیپلماتیک ما را با همان عادت مألوفشان یعنی «فروختن ژست ابرقدرتی بیشتر به دنیا» دادند!

حرف ما محروم کردن خود از ظرفیت های دیپلماسی و مذاکره نیست. حرف ما این است که نباید به درخت مقاومت ایران، با اقداماتی بی ثمر و عجولانه و به بهای چیدن چند میوه ی نارس، خدشه وارد کرد و بدون ملاحظه ی تغییری اساسی در رفتارهای مزورانه و متکبرانه ی دشمن، تن به مذاکره ای بی نتیجه با او داد.

اما با این همه، باید گفت این نرمش های نسبتاً غیر قهرمانانه ای(!) که در رفتار برخی رجال ما دیده می شود، در گذر زمان، یک نکته را به خوبی روشن خواهد کرد و آن هم این است که «مذاکره با آمریکا» نمی تواند "کلید" حل مشکلات ما باشد.

شاید گاهی برای به نظاره نشستن شکوه درخت مقاومت، باید به نظاره ی افرادی نشست که به درختچه های اطراف این درخت تنومند، دل خوش کرده اند.

به راستی... گاهی درک ارزش حقیقی «مقاومت»، تنها با چشیدن طعم «ضد» آن است که ممکن می شود...

نویسنده : hoda217172

<http://mabna-57.blogfa.com/post/10>

فرستنده : zarfiat92

پوسترهای صداقت آمریکایی





گامی برای دور شدن از زندگی آمریکایی

در روزهایی که به نام دهه استکبار ستیزی معروف شده اند بیابیم یکبار برای همیشه تصمیم بگیریم که مرگ بر استکبار و مرگ بر آمریکا فقط شعارمان نباشد و در زندگیمان هم به نحوی آن را عملی کنیم.

اولین کار برای عملی کردن این شعار در زندگی، به طور مختصر و مفید اینست که آمریکایی نباشیم! (لازم به توضیح نیست که بگویم منظور از آمریکایی نبودن، متولد جای دیگر بودن نیست) آمریکایی نبودن یعنی اینکه نقشه های آمریکا را برای تبدیل کردن مردم هر کشوری به یک شهروند آمریکایی، نقش بر آب کنیم! اما در مقابل شهروند آمریکایی نبودن، ما، به عنوان یک فرد مسلمان ایرانی و جزئی از امت واحده ی اسلام، باید روشی را برای زندگی انتخاب کنیم که نشانگر تمدن اسلامی و همچنین هویت ملی ما باشد. در این مقاله کوتاه به بررسی یکی از مهمترین شاخصه های سبک زندگی آمریکایی می پردازیم و اینکه آموزه های دینی ما درباره این شاخصه چه می گویند؟

ویژگی بارز جوامع غربی و جوامعی که پیرو سبک زندگی غربی و آمریکایی هستند، مصرف گرایی است. مصرف گرا کردن مردم و تلقین کردن کلمه "احساس بهتر" پس از خرید به جای خرید برای تامین نیازها و مایحتاج واقعی، اتفاقی بود که توسط ادوارد برنایز، برادرزاده فروید و بر پایه تئوری های فروید، در قرن بیستم اتفاق افتاد. برنایز می گفت: با ارضای امیال دورنی خودخواهانه ی مردم، آن ها شاد و مطیع می شوند. این دقیقاً همان سرآغاز مصرف گرایی همه جانبه ای است که امروزه بر جهان ما حاکم شده است. و در کشور ما هم رواج روز افزونی یافته است.

از مصداقهای کوچک مصرف گرایی در خانواده ای معمولی و متوسط جامعه مثل استفاده از وسایل یک بار مصرف، بطریهای آب معدنی و نیازهای کاذب به محصولات نمایش داده شده در آگهی های تلویزیونی گرفته تا نیاز به خرید لوازم مارک و محصولات سفارشی و تعویض سالیانه مدل خودرو، همه و همه نمونه های بارز مصرف گرایی جامعه ایرانی و مسلمان ماست.

افراد یک جامعه مصرف گرا تبدیل می شوند به افراد فردگرا و منفعتی طلبی که در پی بهره برداری حداکثری و آزمندانه از طبیعت هستند، الگوی پوشاک و مد آنها در راستای خودنمایی و جلب توجه است، اوقات فراغتشان به ارضاء و اشباع شهوات و هوس ها می گذرد و در نهایت منجر به نابودی نهاد خانواده و تحقیر ازدواج و ادامه شرایط فعلی جامعه جهانی می شود؛ یعنی استفاده اندکی از اقتصاد و صنعت و رسانه و نیروی نظامی به جهت سلطه بر ملتها و تاراج منابع زمین. در مقابل اینها، سبک زندگی اسلامی بر مبنای احترام به نهاد خانواده، جمع گرا بودن، در نظر گرفتن مناصب جمعی، احترام و استفاده درست از طبیعت، انتخاب پوششی آراسته و متناسب با عفت، مصرف درست و پرهیز از اسراف است و منجر به رشد و توسعه تمدن اسلامی می شود.

حال ببینیم در مقابل این مصرف گرایی چه روشی را می توان اتخاذ کرد و توصیه های دینی ما بر چه اساسی است؟

برخلاف تفکرات اومانیستی جوامع غربی که همه چیز را برای انسان می داند و منفعت طلبی موجود در سبک زندگی غربی، خدا در قرآن مال و ثروت را نعمت خود به بندگان و زمینه شکرگزاری آنها می شمارد و تاکید می کند که نعمتهای طبیعی دنیایی را نیز به منظور استفاده و در نهایت زمینه سپاس گذاری مردم قرار داده است. (سوره بقره آیه ۱۷۲) در منابع دینی و سیره اهل بیت علیهم السلام نیز همواره بر مصرف صحیح متناسب با شئون فرد و همچنین دوری از اسراف تاکید شده است. این تاکید بر دوری از اسراف در همه زمینه ها، چه مخارج خانواده و خوراک و پوشاک و چه انفاق کردن به نیازمندان، به چشم می خورد. امام رضا علیه السلام می فرمایند: در هزینه خانواده اسراف نکنید که خدای بزرگ اسراف را نمی پسندد و می فرماید: و مومنان کسانی هستند که هرگاه انفاق کنند اسراف نمی کنند. (کتاب الخصال، ص ۵۴)

از آنچه در روایات گفته شده چنین بر می آید که استفاده چیزهایی که در شأن فرد نباشد (مثلاً قیمتش از قدرت خرید او بالاتر باشد) نیز اسراف محسوب می شود. امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرمایند: اسرافگر سه نشانه دارد، می خورد چیزی را که برای او نیست، می پوشد چیزی را که برای او نیست و می خرد چیزی را که برای او نیست. (کتاب الخصال، ص ۹۸)

این مساله دقیقاً همان چیزی است که در زندگی فرد مصرف گرا به چشم می خورد زیرا تمامیت خواهی او ایجاب می کند که هر چیزی را داشته باشد و به آن دست پیدا کند حتی اگر در توانش نباشد.

نکته جالب توجه اینجاست که حتی برای افراد توانگر و ثروتمند هم مجوزی برای مصرف و خرید و هرنوع مصرفی صادر نشده است. امام سجاد علیه السلام می فرمایند: آخرین توصیه خضر به موسی بن عمران (ع) این بود که از محبوب ترین کارها نزد خدای بزرگ، میانه روی هنگام توانگری است. (کتاب الخصال، ص ۱۱۱)

به هر حال نکاتی که بیان شد، قطره ای بود از دریای توصیه های راهگشای اهل بیت علیهم السلام که نه تنها برای افراد مسلمان بلکه برای هر فرد عاقل و دوراندیشی می توانند آموزش دهنده بهترین برنامه ریزی اقتصادی برای داشتن یک روش زندگی به دور از اسراف نعمتهای خداوند و ضرر زدن به طبیعت، عاقلانه و در راستای آموزه های دینی و مورد تایید عقلای جهان، جمع گرا و به نفع پیشرفت جامعه و تمدن اسلامی و همچنین زندگی به دور از تنش های ناشی از نتوانستن ها و مشکلات اقتصادی باشند. اگر هر کدام از ما تصمیم بگیریم که از مصرف گرایی دور شویم و نشانه های آن را در زندگی فردی و اجتماعی خود از بین ببریم آن وقت است که گامی مهم در راستای جامعه عمل پوشاندن به یکی از مهمترین شعارهای انقلابی خود، یعنی استکبارستیزی، برداشته ایم.

منابع:

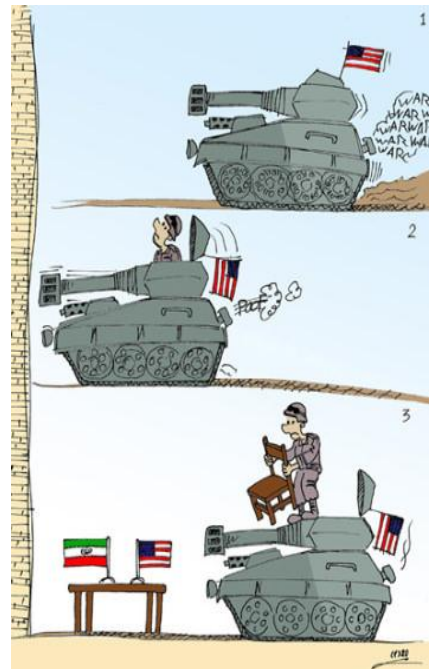
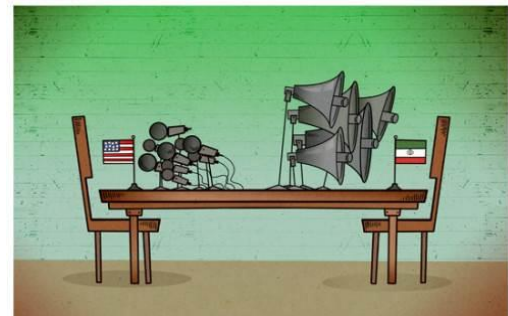
کتاب مفاتیح الحیاء، آیت الله جوادی آملی

مقاله شهوت و مصرف گرایی، هدیه سبک زندگی غربی، سامان اسکندری

سایت هویت ما <http://www.hoviatema.ir>

ارسالی توسط: soode

کاریکاتور



منبع:

کمیته صیانت از منافع ایران در مذاکرات
<http://sianat.org/?p=344>

اینفوگرافی: ۳۶ سال مواضع آمریکایی‌ها



لینک دانلود با اندازه اصلی:

<http://www.nasimonline.ir/Images/News/AtachFile/21-7-1392/FILE635172582446583723.jpg>

شعر

الا شیر-اوزان دشت ناورد
ز جا خیزد دشمن سر بر آورد

ز نو هنگامه‌ی شهد و شرتگ است
دوباره آزمون نام و ننگ است

ز خودبنیادی مشتی خس و خار
سیاست پیشه غولان تبهکار

ز نام افتاد با نان کار ما را
مسلمانان مسلمانی! خدا را

کرا از دشمنان بیم است؟ هیئات
کرا آهنگ تسلیم است؟ هیئات

الا دنیاپرستان! خاکبازان!
فروشی نیست خون پاکبازان!

به دست خود نهادن بند بر دست؟
چنین کاری پدرداری نکرده است

به آمریکا سپردن سر، شما را
شما را زندگانی، مرگ ما را

خوشا روزی که سالار شهیدان
ز روی لطف بر ما نالمیدان

دری بگشاید از باغ شهادت
که دارد جان ما داغ شهادت

نه عقل از عشق غافل کرد ما را
نه دنیا رخنه در دل کرد ما را

به دنیا دل نبندد هر که مرد است
که دنیا سر به سر اندوه و درد است

بسیجی جان مرگ آگاه دارد
از این زندان به بیرون راه دارد

به بوی کاروان کربلا مست
به عشق حیدر کرار پابست

الا ای پامردان خمینی!
جوانمردان آیین حسینی

پرستوهای بال و پر شکسته
که می خواهد شما را سر شکسته؟

به میدان سراندازی درآید
به قصد مرگ و جانبازی درآید

ز دزدان بر حذر باشید یاران
ز یزدان با خیر باشید یاران

شهید زنده، مرد دین و ناورد
امام و رهبری را یار و همدرد

ز مردی گر نشانی باشد او راست
در این ره هیچ ناید جز نکو راست

الا ای دشمنان دین، خدا را
ز جان دادن متراستید ما را

شهادت بوده عمری آرزومان
چه باک از کربلای پیش رومان

یوسفعلی میرشکاک

ارسالی توسط: Amir1371

احتمال اعدام شیخ باقر النمر



و یکی از آخرین جنایتهای آل سعود با پشتیبانی آمریکای جهانخواار

و چه خوب انسان‌هایی دارد خدا، آسمان را به زمین می‌آورند و در ازدحام خصومت و خباثت، رنگ خدا را فریاد می‌کنند و از مثله شدن نیز بیم به دل راه نمی‌دهند.

ما افسران جوان جنگ نرم حمایت خود را از شیخ باقر النمر رهبر انقلاب شیعیان عربستان اعلام کرده و اعدام این رهبر انقلابی را از سوی حکومت آل سعود محکوم می‌نماییم

زمانه بر سر جنگ است یا علی مددی

کمک ز غیر تو ننگ است یا علی مددی

گشاد کار دو عالم به یک اشاره توست

به کار ما چه درنگ است یا علی مددی

اگر غدیر برای شیعیان شناخته شده باشد شیعیان مظلوم نمی‌مانند

نشریه افسران نیز این اقدام جنایتکارانه را محکوم کرده و حمایت خود را

از رهبر شیعیان عربستان اعلام می‌دارد

دلنوشته

مافساراء امدن غرب را آسخر مفر مفر



از زبان علبرضا می گویم "من نه فرزند انقلابم و نه جنگ! من یک کودکی بی گناهم که تیغ ظلم استکبار پوچ مرا از داشتن پدر محروم کرده است. به چه جرمی؟ به کدامین گناه؟ پدرم شهید راه اسلام است. سفیهان، پدرم را چون خدمت گذار عاشق ایران بود، شهید کردند.

بر طبلهای تو خالی می زنند، ولی هیچ نیستند. آنها در برابر ما به زانو درآمده اند و خیال می کنند پدرهایمان را شهید کنند دست از مبارزه خواهیم کشید!

ای نادان! هشت سال جنگیدند با کشورمان و هشت سال فرزندان ایران اسلامی را شهید کردند، یک وجب از خاکمان را ندادیم، می خواهی با ترور دست از علم و ایمانمان بکشیم؟!"

خاک فکه و شلمچه سرخ نیست چون در برابر تربت حسین ع شرم می کند، وگرنه دریای خون فرزندان ایران اسلامی شاهدهی بود تا به چشمان کور تمدن غرب نشان می داد، هدفش چیست!

ای مردم دنیا! ای بردگان تمدن پوچ؛ بر ظلمی که به شما وارد شده است فریاد بزنید. ببینید ما را؛ هرگز زیر بار ظلم نخواهیم رفت. آروز هم "حسین (ع) فریاد زد: اگر دین ندارید لااقل آزاده باشید"

ما با هر قطره خونمان فریاد می زنیم آزاده ایم و فریادها می زنیم...

این خاک با خون جوانان سرزمینم سرشته شده، ما متولد این خاکیم!

صوت نفس هایی که سینه هایشان به گاز خردلی سوخت، همه مرگ بر نیرنگ تو را فریاد می زند.

پرچمهای برافراشته بر مزار شهدایمان، بر میادین شهرهایمان، همه مرگ بر آمریکا را فریاد می زند.

خون شهید شهریاری و احمدی روشنهايمان همه مرگ بر آمریکا سر می دهد. زنده اند شهیدان ما...

ای آمریکا؛ هرگز، حتی لحظه ای فکر نکن که مردم دنیا سکوت می کنند. تو نابود شده ای.

هرگز فکر نکن که ما از جنگ با تو قدمی عقب کشیده ایم. تو چه می فهمی از آزادی؟ تو نیز برده ی بیچاره ی هوسی! نه، تو برده ی ابلیسی! ما همیشه در جنگ با شیطان بزرگ هستیم.

ما تو را رسوای جهان خواهیم کرد! و چه بسا رسوای جهان شده ای اما مثل کبک سرت را زیر برف کرده ای!

باز هم با مشتهایمان مرگ را حواله ات می کنیم. و با قدرت علم و ایمانمان خفته ات می کنیم. کدام ریسمان تو را از عمق چاهی که ساخته ای نجات می دهد ای مفلوک؟ انکار نکن، خودت هم در میان کش مکش دولتمردان گفته ای

"مرگ بر آمریکا"

منتظر باش! ما از دیوارهای سفارت تمدن غرب بالا می رویم و آنجا را تسخیر خواهیم کرد و دیر نیست آروز که نامش را

سازمان تمدن اسلامی بگذاریم...

همکاران این شماره:

Afsarejavan

Amir1371

Azadandish

Baran

Hamase

Masoudzeinali

Miladps3

Mahdiyar85

Parvaz77

Soode

Raheroshan313

Radiomoghat

Zarfiat92

